

قط‌نام‌ها و تصم‌مات

‌ب‌ کار‌ر

‌س‌س‌ال دم‌وکرات روس‌ه

۱۸۹۸-۱۹۱۷

﴿۳﴾

* قطعنامه ها و تصمیمات

حزب کارگر

سوسیال دموکرات روسیه

۱۸۹۸-۱۹۱۷

* از انتشارات سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

— کمیته خارج کشور

* قطعنامه ها و تصمیمات حزب کارگر سوسیال دموکرات روسیه ۱۸۹۸-۱۹۱۷ از انتشارات

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

چاپ اول دی ۱۳۶۳.

ترجمه از کتاب:

Resolutions and Decisions of the Russian Social Democratic Labour Party 1898-1917.

Printed in Great Britain by A. Wheaton & Co. Ltd, Exeter

* تکثیر از: حجت برزگر

* تاریخ تکثیر: ۱۳۸۱/۰۴/۰۸ (۲۹/۰۶/۲۰۰۲ میلادی)

* آدرس تماس با شبکه نسیم (اتحادیه مارکسیستها) از طریق پست الکترونیکی:

nasim@tele2.se

فهرست

صفحه	عنوان
۵	* <u>پلنوم کمیته مرکزی ۱۳ - ۱۱ اوت ۱۹۰۸</u>
۵	۷۵- <u>تشکیلات کمیته مرکزی</u>
۷	* <u>کنفرانس سراسری پنجم حزب ۲۷-۲۱ دسامبر ۱۹۰۸</u>
۷	۷۶- <u>در باره وظایف حزب در لحظه کنونی</u>
۸	۷۸- <u>درباره کار کمیته مرکزی</u>
۸	۷۹- <u>درباره مساله تشکیلاتی</u>
۱۰	۸۰- <u>درباره متحد ساختن سازمانهای ملی در سطح محلی</u>

- ۱۰ * پلنوم کمیته مرکزی ۲۳-۲ ژانویه ۱۹۱۰
- ۱۱ ۸۲- اساسنامه کمیته مرکزی
- ۱۲ ۸۳- درباره ارگان مرکزی
- ۱۳ ۸۷- درباره مدرسه حزبی
- ۱۳ ۸۸- درباره نقض انضباط حزبی
- ۱۴ * کنفرانس ششم ((کنفرانس پراگ)) ۱۷-۵ ژانویه ۱۹۱۲
- ۱۴ ۹۴- تغییرات در اساسنامه تشکیلاتی حزب
- ۱۴ ۹۷- درباره خصلت و اشکال تشکیلاتی کار حزبی
- ۱۵ ۹۸- درباره انتخابات دومای دولتی چهارم
- ۱۰۰- درباره روش برخورد به طرح قانونی دوما
- ۱۸ در مورد بیمه دولتی کارگران
- ۲۰ ۱۰۲- درباره انحلال طلبی و گروه انحلال طلبان
- ۲۱ ۱۰۳- درباره تشکیلات حزب در خارج از کشور
- ۲۱ * نشست پاریس ۲۸ فوریه ۱۹۱۲
- ۲۲ ۱۰۴- ((درباره کنفرانس پراگ))
- ۲۳ * کنفرانس اوت (کنفرانس وین) ۲۰-۱۲ اوت ۱۹۱۲
- ۲۳ ۱۰۶- درباره وحدت تشکیلاتی
- ۲۴ ۱۰۸- درباره اشکال تشکیلاتی رشد حزب
- ۲۵ ۱۰۹- درباره مبارزه اقتصادی
- ۲۶ ۱۱۲- درباره قانون بیمه ۲۳ ژوئن ۱۹۱۲
- ۲۶ ۱۱۳- درباره وقایع اخیر در ارتش و نیروی دریایی
- ۲۷ ۱۱۴- درباره مساله خودمختاری ملی - فرهنگی
- ۲۸ * نشست کمیته مرکزی در کراکو ۱۹۱۲-۱۹۱۳
- ۲۸ ۱۱۵- درباره اعتلای انقلابی، اعتصابات و وظایف حزب
- ۳۵ ۱۱۷- درباره روش برخورد به انحلال طلبی و وحدت
- ۳۱ ۱۱۹- درباره مبارزه برای بیمه
- ۳۲ * نشست کمیته مرکزی در پورونین سپتامبر ۱۹۱۲
- ۳۲ ۱۲۱- درباره جنبش اعتصابی
- ۳۳ ۱۲۵- درباره مساله ملی
- ۳۵ * دفتر روسیه کمیته مرکزی مارس ۱۹۱۷
- ۳۵ ۱۳۵- ((درباره برخورد به شوراها))

- ۱۳۶ - ((درباره روابط بین شورای نمایندگان
کارگران و سربازان و حکومت موقت))
- ۳۶
- ۱۴۲ - درباره عضویت حزب
- ۳۶
- * کنفرانس سراسری هفتم (آوریل) ۲۲-۲۰ آوریل ۱۹۱۷
- ۳۷
- ۱۵۴ - درباره روش برخورد به حکومت موقت
- ۳۸
- ۱۵۶ - درباره شورای نمایندگان کارگران و سربازان
- ۳۹
- ۱۵۸ - درباره مساله ملیتها
- ۴۱
- * کنفرانس سراسری منشویکها و سازمانهای متحد حزب ۱۹۱۷
- ۴۱
- ۱۶۲ - درباره روش برخورد به شوراهاى نمایندگان کارگران و سربازان
- ۴۲
- ۱۶۳ - درباره سیاست کارگری
- ۴۲
- * کمیته مرکزی درباره کنترل کارگری ۲۴ مه ۱۹۱۷
- ۴۳
- ۱۶۶ - درباره اقداماتی برای مقابله با اختلال اقتصادی
- ۴۵
- * کنگره ششم ۲۶ ژوئیه - ۳ اوت ۱۹۱۷
- ۴۵
- ۱۷۴ - اساسنامه حزب
- ۴۷
- ۱۷۷ - درباره وضعیت اقتصادی
- ۴۸
- ۱۷۸ - درباره حزب و جنبش اتحادیه های کارگری
- ۴۹
- ۱۸۲ - درباره خوداری رفیق لنین از حضور در دادگاه
- ۴۹
- * تدارک کمیته مرکزی برای انقلاب اکتبر
- ۵۰
- ۱۹۴ - درباره قدرت دولتی
- ۱۹۶ - ((درباره هیات رئیسه جدید برای شورای
نمایندگان کارگران و سربازان))
- ۵۱
- ۲۰۱ - ((درباره پارلمان مقدماتی))
- ۵۱
- ۲۰۲ - ((درباره شورای نمایندگان کارگران و سربازان))
- ۵۲
- ۲۱۴ - ((درباره کمیته اجرایی شورای پتروگراد))
- ۵۲
- ۲۱۵ - ((بحث درباره کنگره دوم شوراها))
- ۵۳
- * یادداشت کمیته ترجمه
- ۵۳

پلنوم کمیته مرکزی

۱۳-۱۱ اوت ۱۹۰۸

کمیته مرکزی منتخب کنگره پنجم (کنگره لندن) که بلشویکها در آن از اکثریت برخوردار بودند، بارها در طول سال ۱۹۰۸ نشست برگزار کرد و در باره مسایل مختلف از جمله بازسازی فعالیت حزب در شرایط جدید پس از کودتای استولیپین در ۳ اوت ۱۹۰۷ به مذاکره پرداخت.

پلنوم فوق نیز که از ۱۱ تا ۱۳ اوت ۱۹۰۸ در ژنو برگزار شد هدف اساسی اش بازسازی تشکیلات کمیته مرکزی در شرایط اختناق استولیپینی بود. در مجموع ۱۳ نفر در این پلنوم شرکت داشتند: ۵ نفر از بلشویکها، ۳ نفر از منشویکها، ۱ نفر از سوسیال دموکراتهای لتونی، ۱ نفر از سوسیال دموکراتهای لهستانی و ۳ نفر از بوندیستها که همگی از اعضای کمیته مرکزی حزب کارگر سوسیال دموکرات روسیه بودند.

مهم ترین مساله ای که حزب از آن رنج می برد، عدم توانایی اش در پیشبرد فعالیتهايش در داخل روسیه بود. از این رو پلنوم فوق وقت زیادی را صرف تعیین وظایف کمیته مرکزی و مسئولیتهای آن کرد.

تنها قطعنامه ای که در این پلنوم به تصویب رسید، در باره سازماندهی مجدد ساخت تشکیلاتی کمیته مرکزی بود. این پلنوم دو نهاد جدید حزبی ایجاد کرد: اول، یک کمیته فرعی کمیته مرکزی شامل ۵ عضو مرکب از ۱ نفر بلشویک، ۱ نفر منشویک، ۱ نفر از سوسیال دموکراتهای لهستان، ۱ نفر از سوسیال دموکراتهای لتونی و ۱ نفر از بوندیستها. این کمیته قرار بود که در داخل روسیه فعالیتهای حزب را به پیش برد. دوم، دفتر خارج از کشور کمیته مرکزی با شرکت سه عضو که وظیفه اش هماهنگی فعالیتهای حزب در خارج از کشور بود. این دو نهاد برای اولین بار در تاریخ حزب کارگر سوسیال دموکرات روسیه ایجاد می شد (سند ۷۵).

پلنوم همچنین یک کمیسیون مطبوعاتی مرکب از ۳ عضو ایجاد کرد تا بر فعالیتهای ارگان مرکزی نظارت کند. در هیات تحریریه جدیدی که برای ارگان مرکزی در این پلنوم انتخاب شد، لنین به عضو آن در آمد. پلنوم کار خود را با فراخوان تشکیل فوری کنفرانس حزبی جدید پایان داد.

۷۵- تشکیلات کمیته مرکزی

۱- نشست های عمومی کمیته مرکزی از کلیه حقوق خود کمیته مرکزی برخوردار است؛ نشستهای عمومی عادی هر سه ماه یکبار و نشستهای فوق العاده به درخواست شش عضو ((کمیته مرکزی)) و یا به درخواست اکثریت کمیته فرعی کمیته مرکزی که در روسیه کار می کند، برگزار می شود. نشستهای عمومی در صورتی رسمیت می یابد که هشت عضو در آن حضور داشته باشند و به دیگرانی که برای آمدن اظهار تمایل کرده اند، بدین منظور از نظر مالی مساعدت شده باشد.

II_ طی فواصل بین جلسات عمومی، کار جاری در روسیه توسط کمیته فرعی کمیته مرکزی اداره می شود.

۱_ این کمیته فرعی از پنج عضو کمیته مرکزی تشکیل می شود؛ جای عضو دستگیر شده فوراً با عضو کاندید وی پر می شود.

مسایلی را که نمی توان به تعویق انداخت، با پیشقدمی کمیته فرعی از طریق رأی گیری از کلیه اعضای کمیته مرکزی حل می شوند.

مسایلی که مستقیماً بر سازمانهای سراسری اثر می گذارند، تنها در نشستهای عمومی کمیته مرکزی حل می شوند.

۲_ مسایل تاکتیکی که ماهیت عمومی دارند، تنها در صورت فوریت شدید، توسط کمیته فرعی حل می شوند؛ در چنین مواردی کمیته فرعی اقداماتی به عمل خواهد آورد تا موضوع را بلافاصله به نظر کلیه اعضای کمیته مرکزی برساند.

در مورد موضوعات مهم، به ویژه وقتی که مسایل جدید اصول تاکتیکی مطرح می شود، پنج ((عضو کمیته فرعی)) تصمیم گیری را تا نشست پلنوم به تعویق می اندازند، مگر اینکه موضوع بی نهایت فوری باشد.

۳_ کمیته فرعی کمیته مرکزی رهبری فراکسیون سوسیال دموکرات را در دوما به عهده دارد.

۴_ در چارچوب محدوده های فوق، کمیته فرعی جانشین کمیته مرکزی به طور کلی بوده، جای آنرا می گیرد و از کلیه حقوق آن برخوردار است.

۵_ کمیته فرعی گزارشهای کتبی فعالیتهای خود را حتی المقدور به طور مداوم، به دفتر خارج از کشور کمیته مرکزی برای مقاصد اطلاعاتی می فرستد.

III_ کمیته مرکزی بدین وسیله یک دفتر خارج از کشور متشکل از سه عضو کمیته ایجاد میکند که تابع کمیته فرعی کمیته مرکزی است.

۱_ این دفتر با کمیته مرکزی در روسیه و با اعضای آن که در خارج کار می کنند، در ارتباط مداوم است، و درباره فعالیتهای خود، در فواصل معینی برای کمیته فرعی گزارش می فرستد و تابع پنج ((عضو کمیته مرکزی)) در روسیه است.

۲_ دفتر ((خارج از کشور)) کمیته مرکزی نماینده منافع کمیته مرکزی در خارج است؛ بر فعالیتهای گروههای همیار در مناطق مختلف و دفتر مرکزی ((خارج از کشور)) آنها نظارت میکند؛ اعانه های خارجی به خزانه کمیته مرکزی را دریافت کرده و فعالیتهای مالی مستقلی را به نفع کمیته مرکزی سازماندهی می کند.

IV_ انتشار ارگان مرکزی ادامه خواهد یافت.

۱_ هیات تحریریه ارگان مرکزی متشکل از سه عضو است. دو عضو آن توسط پلنوم تعیین میشود و عضو سوم طبق اساسنامه تشکیلاتی، نماینده کمیته مرکزی حزب سوسیال دموکرات

لهستان و لیتوانی است.

۲- کمیسیون مطبوعاتی متشکل از شش نفر، که باید عضو یا کاندید عضو کمیته مرکزی باشند، به منظور کمک دائم به ارگان مرکزی تعیین می شود. اختلافات بر سر اصول در درون هیات تحریریه در صورت درخواست هر عضو هیات تحریریه، برای تصمیم گیری به این کمیسیون ارجاع می شود. تصمیمات کمیسیون برای اعضای هیات تحریریه لازم الاجرا است.

کنفرانس سراسری پنجم حزب

۲۷-۲۱ دسامبر ۱۹۰۸

کنفرانس پنجم از تاریخ ۲۱ تا ۲۷ دسامبر ۱۹۰۸ در پاریس برگزار شد و ۱۶ نماینده با حق رأی شامل ۵ بلشویک، ۳ منشویک، ۵ سوسیال دموکرات لهستانی و ۳ بوندیست در آن حضور داشتند. لنین به نمایندگی از کمیته مرکزی حزب در آن شرکت کرد و گزارشی تحت عنوان «در باره لحظه کنونی و وظایف حزب» ارائه داد که برمبنای آن قطعنامه ای به تصویب رسید (سند ۷۶). در این گزارش ﴿...﴾

۷۶- در باره وظایف حزب در لحظه کنونی

... کنفرانس سراسری حزب کارگر سوسیال دموکرات روسیه معتقد است که در لحظه کنونی، حزب با وظایف اساسی زیر روبرو است:

۱- باید به توده های وسیع مردم معنی و اهمیت سیاست اخیر ((رفرم ارضی)) حکومت استبدادی و نقش پرولتاریای سوسیالیست را - که در عین پیروی از سیاست مستقل طبقاتی، باید دهقانان دموکرات را در زندگی سیاسی فعلی و در مبارزه انقلابی آینده رهبری کند - توضیح دهد. هدف این مبارزه همچون گذشته سرنگونی تزاریسیم و تسخیر قدرت سیاسی توسط پرولتاریا است که با پشتیبانی اقشار انقلابی دهقانان انقلاب بورژوا دموکراتیک را با تشکیل مجلس مؤسسان سراسری و برپایی جمهوری دموکراتیک به پایان می رساند.

۲- باید تجربه مبارزات توده ای در سالهای ۱۹۰۷-۱۹۰۵ را، که درسهای گرانبهایی در تأیید صحت تاکتیکهای انقلابی سوسیال دموکراسی در بر داشته است، کاملاً مطالعه کند و بطور وسیع انتشار دهد.

۳- حزب کارگر سوسیال دموکرات روسیه باید خود را در جهت خطوطی که طی دوران انقلابی تکامل یافت، تحکیم بخشد؛ باید همچون گذشته مبارزه سرسختانه ای هم علیه حکومت استبدادی و طبقات ارتجاعی و هم علیه لیبرالیسم بورژوایی انجام گیرد؛ حزب باید علیه انحرافات از مارکسیسم انقلابی و علیه کوشش برای کم ارزش کردن شعارهای حزب کارگر سوسیال دموکرات

روسیه، که هم اکنون تا حدی در بین بعضی عناصر حزبی منحط مشاهده می شود، مبارزه کند.
۴- مبارزه اقتصادی طبقه کارگر باید طبق قطعنامه های کنگره لندن و کنگره اشتوتگارت ((انترناسیونال دوم))، به هر طریق ممکن ارتقا داده شود.

۵- دوما و تریبون آن باید برای تبلیغ و ترویج سوسیال دموکراسی انقلابی مورد استفاده قرار گیرد.

۶- وظیفه طولانی آموزش، سازماندهی و انسجام توده های پرولتری آگاه به منافع طبقاتی خود، در درجه اول اهمیت قرار دارد. وظیفه بعدی ضرورت گسترش کار حزبی در بین دهقانان و ارتش به ویژه در شکل تبلیغ و ترویج کتبی است و با تأکید خاصی بر آموزش سوسیالیستی عناصر پرولتری و نیمه پرولتری در بین دهقانان و ارتش.

۷۸- درباره کار کمیته مرکزی

۱- کنفرانس، مصوبه کمیته مرکزی در مورد ایجاد ارگانی در روسیه را که دارای اعضای کمتری بوده و از کلیه حقوق پلنوم کمیته مرکزی برخوردار است، با توجه به وضعیت موجود تأیید میکند.

۲- به نظر کنفرانس، مسایل اصول تاکتیکی که دگر باره مطرح می شوند باید هرگاه که ممکن است توسط پلنوم کمیته مرکزی مورد بررسی قرار گیرند، و تنها در موارد فوق العاده اضطراری توسط کمیته مرکزی تقلیل یافته حل می شود.

۳- کنفرانس، کمیته مرکزی را موظف می سازد که از طریق مسافرتها مرتب تر اعضای کمیته مرکزی، اعزام نمایندگان از طرف کمیته فرعی کمیته مرکزی در روسیه و بهبود مکاتبات، نظارت و روابطش را با سازمانهای محلی، ناحیه ای و سراسری تحکیم بخشد.

۴- نظر به اهمیت کار حزبی در خارج از کشور و همچنین نظر به برخوردهای شدید و مخالفت های اخلاص گرانه با کار کمیته مرکزی که در خارج مشاهده می شود -

کنفرانس وجود یک نهاد نمایندگی کل حزب را در خارج تحت عنوان «دفتر خارج از کشور کمیته مرکزی»، مفید و ضروری می داند.

۷۹- درباره مساله تشکیلاتی

...نظر به اینکه:

۱- گرچه پیروزی ضد انقلاب در لحظه کنونی باعث شده است که بخشی از کارگران متمایل به انقلاب ولی فاقد آگاهی سوسیالیستی کافی نسبت به حزب موقتاً بی تفاوت شوند، با این وجود حزب با وظیفه اساسی گسترش تبلیغ سیاسی و اقتصادی و همچنین گسترش کار تشکیلاتی در بین وسیع ترین لایه های توده های کارگر روبرو است؛

- ۲- این پیروزی ضد انقلاب با به تعویق انداختن اجرای شعارهای دموکراتیک حزب، به ترک کلیه آن عناصر روشنفکر ناپایدار و خرده بورژوا از صفوف حزب منجر شده است که عمدتاً به امید پیروزی قریب الوقوع انقلاب با جنبش کارگران همراه شده بودند؛
- ۳- شرایط سیاسی تغییر یافته، محدود ساختن فعالیت سوسیال دموکراتیک را در چارچوب سازمانهای کارگری علنی و نیمه علنی، هر چه بیشتر غیر ممکن می سازد؛
- ۴- افراد نهادهای رهبری حزب هرچه بیشتر با عناصر پرولتری آگاه، که آگاهی طبقاتی شان به واسطه تجربه سالهای انقلاب عمیق شده است، جایگزین می شود؛
- ۵- شرایط کنونی فعالیت، کاربرد کامل اصول تشکیلاتی دموکراتیک حزب را غیرممکن ساخته است -

کنفرانس بنابراین معتقد است که:

الف - حزب باید توجه ویژه ای به تقویت و استفاده از سازمانهای موجود غیرعلنی، نیمه علنی و در صورت امکان علنی و ایجاد سازمانهای جدید مبذول دارد؛ این سازمانها می توانند به عنوان نقاط اتکای قدرتمندی برای کار ترویجی، تبلیغی و تشکیلاتی عملی در بین توده ها در خدمت حزب باشند. میتینگهای کارخانه، محفلهای ترویجی، اتحادیه های کارگری غیرقانونی و قانونی، باشگاههای کارگران، انجمنهای آموزشی متعدد کارگران و غیره از جمله این سازمانها هستند. این کار در صورتی ممکن و با ثمر خواهد بود که اولاً در هر مؤسسه صنعتی یک کمیته کارگران وجود داشته که صرفاً از اعضای حزبی، حتی اگر تعداد آنها اندک باشد، تشکیل شود و به طور نزدیکی با توده ها در ارتباط باشد، و ثانیاً کلیه فعالیتهای سازمانهای علنی تحت هدایت سازمانهای حزبی غیر علنی انجام شود.

ب - برای متحد ساختن کوششهای حزب در سطح محلی، ضروری است که:

۱- در هر منطقه، مرکزی تشکیل شود که نه تنها پشتیبانی تکنیکی در اختیار سازمانهای محلی قرار می دهد، بلکه همچنین از لحاظ ایدئولوژیک نیز به آنها یاری می رساند و در صورت تلاشی شان آنها را بازسازی می کند؛

۲- نزدیک ترین ارتباطات بین سازمانهای محلی و منطقه ای و کمیته مرکزی برقرار شود.

ج - برای تضمین کاربرد صحیح و بدون وقفه سازمانهای محلی، کاربرد گاه گاه اصل کئوپتاسیون مجاز است، اما چنین اعضای جدیدی باید در اولین فرصت با رفقای که به طور قانونی و بر مبنای اساسنامه انتخاب شده اند، تعویض شوند. در مورد محتوای کار تشکیلاتی کنفرانس معتقد است که حزب علاوه بر تبلیغ سیاسی و اقتصادی مربوط به وضعیت کنونی... باید توجه ویژه ای به تعمیق دیدگاه سوسیال دموکراتیک محفلهای وسیع فعالین حزبی و مخصوصاً به پرورش رهبران عملی و ایدئولوژیک جنبش سوسیال دموکراسی از بین صفوف کارگران مبذول دارد.

۱- کنفرانس، کمیته مرکزی را موظف می کند که جهت متحد ساختن سازمانهای محلی حزب ما در کلیه مناطقی که به رغم قطعنامه کنگره استکهلم ((یا وحدت)) این اتحاد هنوز عملی نشده است، اقداماتی به عمل آورد.

۲- در این مورد کنفرانس معتقد است که چنین اتحادی باید بر مبنای اصل اتحاد سازمانهای سوسیال دموکرات هر محل معین استوار باشد، و هرگونه اتحاد مبتنی بر اصل فدرالیسم را قاطعانه رد می کند.

پلنوم کمیته مرکزی

۲۳-۲ ژانویه ۱۹۱۰

پلنوم کمیته مرکزی معروف به پلنوم «وحدت» از ۲ تا ۲۳ ژانویه در پاریس برگزار شد. علاوه بر بلشویکها، نمایندگان کلیه فراکسیونها و گروهها در آن حضور داشتند. نمایندگان با حق رأی ۱۴ نفر از اعضای کمیته مرکزی شامل ۴ بلشویک، ۴ منشویک، ۲ بوندیست و غیره بودند. ۵ نفر نیز بدون حق رأی در کنگره حضور داشتند: لنین، کامنف، مارتف، تروتسکی و باگدانف. این پلنوم به خواست منشویکها تشکیل شده و لنین با تشکیل آن شدیداً مخالف بود. در طول جلسات پلنوم نیز لنین در اقلیت قرار داشت و حتی اکثریت اعضای بلشویک کمیته مرکزی با وی موافق نبوده و سازش بین فراکسیونهای مختلف حزب را خواستار بودند. در نتیجه اغلب مصوبات پلنوم برخلاف میل لنین به تصویب رسیدند. مثلاً تصمیم گرفته شد که پرولتاری ارگان بلشویکها تعطیل و به نشریه پراودا که توسط تروتسکی در وین منتشر می شد، کمک مالی داده شود. پلنوم همچنین انحلال طلبان را به عضویت نهادهای مرکزی حزب انتخاب کرد.

لنین قطعنامه ای درباره وضعیت حزب به پلنوم ارائه داد که در آن انحلال طلبی و اتزویسم محکوم و ریشه های طبقاتی این انحرافات (یعنی نفوذ بورژوازی بر پرولتاریا) افشا می شد. همگان از انحلال طلبان و تروتسکی گرفته تا آشتی طلبان بلشویک با آن به مخالفت برخاستند.

لنین پس از پایان کار پلنوم، تصمیمات آن را در مقاله مفصلی به نقد کشیده و نقش ساتریستی تروتسکی را افشا می سازد. لنین تأکید میکند که تروتسکی تحت عنوان «خارج از فراکسیونها بودن و وحدت طلبی» بیشترین خدمات را به انحلال طلبان و اتزویستها انجام می دهد و بنابراین از آنها خطرناک تر است. (مجموعه آثار، جلد ۱۶، ص ۲۶۰ - ۱۹۵)

منشویکها پلنوم را پیروزی بزرگی دانسته و تروتسکی آن را «بزرگترین رویداد در تاریخ سوسیال دموکراسی روسیه» نامید. از این پس لنین تلاش خود را برای ایجاد حزبی صرفاً بلشویکی آغاز کرد.

- ۱_ «هیات اعضای کمیته مرکزی» که در داخل روسیه کار می کند، از کلیه حقوق کمیته مرکزی برخوردار است.
- ۲_ کلیه اعضای کمیته مرکزی موظف اند که هر بخش از کارهای کمیته مرکزی را انجام دهند.
- ۳_ کمیته مرکزی فعلی از اعضا و کاندید عضوهایی ترکیب یافته است که در کنگره لندن انتخاب شدند.
- ۴_ «هیات اعضای کمیته مرکزی» از هفت نفر تشکیل می شود که چهار نفر آنان اعضای ((روسی)) و سه نفر دیگر نمایندگان سازمانهای ملیتها (شامل یک عضو از سوسیال دموکراتهای لهستان) هستند که در کنگره لندن به عضویت در کمیته مرکزی انتخاب شده اند.
- ۵_ در صورتی که هر یک از هفت نفر عضو «هیات اعضای کمیته مرکزی» آنرا ترک کند ((مثلاً به علت دستگیری))، یک کاندید عضو منتخب در کنگره لندن، که برای فعالیت داخل روسیه اظهار تمایل کرده باشد، جایگزین وی می شود؛ اگر چنین کاندید عضوی نباشد، تعیین جانشین از میان یکی از کاندیدهای قبلاً پیشنهاد شده «هیات» که در کنگره لندن انتخاب نشده بود، انجام می پذیرد.
- ۶_ کاندیدهای جدید باید با اکثریت آرای «هیات» و بدون رأی مخالف به عضویت درآیند؛ این اعضا تا هنگام تأیید شدن توسط یک کنفرانس سراسری حزب، به عنوان اعضای بالفعل کمیته مرکزی محسوب می شوند.
- ۷_ کاندیدهای انتخاب شده در کنگره لندن، طبق ترتیب تعیین شده در اساسنامه، جایگزین اعضایی می شوند که کمیته مرکزی را ترک می کنند.
- اعضایی که کمیته مرکزی را ترک می کنند، به وسیله کاندیدهایی که اخیراً به عضویت در آمده اند و نماینده همان گرایش هستند و یا به همان سازمان ملیتها تعلق دارند، جایگزین میشوند.
- جزئیات مربوط به رویه جایگزینی اعضایی که کمیته مرکزی را ترک می کنند، توسط «هیات» تعیین می شود.
- ۸_ کمیته مرکزی در صورت امکان نشست ماهانه برگزار می کند. در فاصله بین نشستها، دفتر ((خارج از کشور)) کمیته مرکزی، که در نشست عمومی انتخاب می شود، وظایف کمیته مرکزی را انجام می دهد.
- ۹_ دفتر خارج از کشور کمیته مرکزی، که شامل پنج عضو کمیته مرکزی و برگزیده آن است، کارهای خارج از کشور را اداره می کند. این دفتر سه نماینده از کمیته های مرکزی سازمانهای

ملیتها را در بر می گیرد.

کمیته های مرکزی سازمانهای ملیتها حق دارند افرادی غیر از اعضای کمیته مرکزی ((حزب کارگر سوسیال دموکرات روسیه)) را به عضویت دفتر خارج از کشور کمیته مرکزی برگزینند. این افراد نمی توانند در نشستهای عمومی کمیته مرکزی ((حزب کارگر سوسیال دموکرات روسیه)) شرکت کنند.

دفتر خارج از کشور کمیته مرکزی امور مالی حزب را کنترل می کند، فعالیتهای انتشاراتی و تکنیکی حزب ((از قبیل حمل غیر قانونی نشریات حزبی به داخل روسیه)) را اداره می کند، نماینده حزب در خارج است، و به عنوان کانون وحدت بخشی برای گروههای خارجی که با حزب همکاری دارند و همچنین به عنوان واسطه میان آنها و کمیته مرکزی فعال در روسیه عمل میکند. اکثریت اعضای دفتر خارج از کشور باید در یک شهر سکونت داشته باشند.

۱۰- پلنوم اعضای پانزده نفره کمیته مرکزی در موارد زیر فرا خوانده می شود: الف - طبق دستور «هیات» (که به اکثریت دو سوم آرا و حداقل پنج رأی نیاز دارد)؛ ب - طبق دستور متفق القول دفتر خارج از کشور؛ ج - در صورت دستگیری بیش از نیمی از اعضای بخش داخل روسیه کمیته مرکزی و عدم امکان جایگزینی فوری آنان توسط کاندیداهای موجود.

۱۱- شرکت کنندگان در پلنوم عمومی پانزده نفره به قرار زیراند: (۱) اعضای «هیات»؛ (۲) اعضای دفتر خارج از کشور کمیته مرکزی به استثنای آنهایی که در واقع عضو کمیته مرکزی نیستند؛ (۳) اگر مجموع پانزده نفر لازم بدین ترتیب حاصل نشود، کاندیداهای باقیمانده به ترتیب زیر در پلنوم شرکت می کنند: الف - کاندیداهای منتخب کنگره لندن که در داخل روسیه به نوعی از فعالیت حزبی مشغول هستند؛ ب - اعضا و کاندیداهای کمیته مرکزی که ساکن خارج هستند و مشغول انجام کارهای واگذار شده از جانب کمیته مرکزی می باشند.

در گزینش کاندیداهای، باید تناسب بین گرایشها حفظ شود. در مورد این مساله که کدام کاندیدا حق شرکت در پلنوم عمومی را دارد، توسط اعضای واقعی کمیته مرکزی که در جلسه حضور دارند، تصمیم گیری می شود.

۸۳- درباره ارگان مرکزی

به ارگان مرکزی توصیه می شود که: ضمن اینکه اغلب مقالات را بدون امضا (یعنی به قلم اعضای هیات تحریریه) چاپ می کند، در عین حال باید بکوشد که مقالاتی نیز به امضای فردی رفقا، که به رغم موارد اختلاف جزئی، در کل مورد توافق هیات تحریریه هستند، درج شود، تا بدین ترتیب شرکت همه نمایندگان گرایشهای مختلف حزبی در ارگان مرکزی آسان تر شود.

هیات تحریریه ارگان مرکزی متشکل از دو بلشویک، دو منشویک و یک نماینده حزب سوسیال

۸۷- درباره مدرسه حزبی

کمیته مرکزی مقرر می دارد که تدارکات لازم برای تشکیل مدرسه حزبی در خارج انجام گیرد. برای این منظور کمیته مرکزی، کمیته ای متشکل از ۹ عضو تعیین می کند؛ ۲ نفر بلشویک، ۲ نفر منشویک، ۲ نفر از گروه «وپریود»، ۱ نفر بوندیست، ۱ نفر از حزب سوسیال دموکرات لهستان و ۱ نفر از حزب سوسیال دموکرات لتونی.

برای پیوستن به این مدرسه باید فوراً، هم در خارج و هم در روسیه، تقاضانامه درخواست شود. بدین وسیله به دفتر خارج از کشور کمیته مرکزی اطلاع داده می شود که باید با اتخاذ اقدامات همه جانبه ای، اطمینان حاصل کند که رفیق ماکسیمف ((باگدانف)) و دیگران از تشکیل مدرسه جداگانه ای خودداری کرده و در عوض در سازماندهی مدرسه کمیته مرکزی شرکت کنند؛ در این مدرسه، آنها از هرگونه امکانات برای استفاده کامل از استعدادهای تعلیماتی و تدریسی خود برخوردار خواهند بود.

۸۸- درباره نقض انضباط حزبی

کمیته مرکزی اظهار می دارد که از زمان کنگره لندن وقایعی در رابطه با ماجرای ((اشمیت)) رخ داده است که با مصوبات حزبی در تضاد قرار دارند و همچنین بعضی رفقا اعمالی انجام داده اند که انضباط حزبی را نقض می کند. ولی کمیته مرکزی، در عین حال، با در نظر داشتن اینکه:

- ۱- این رفقا قصد ضربه زدن به منافع حزبی را نداشتند؛
- ۲- رفقای مورد اتهام، درک نادرستی از منافع حزب داشتند؛
- ۳- به علاوه، در موارد معینی، این درک نادرست ناشی از جو موجود بلافاصله بعد از دوره حرکت مبارزاتی توده ای ((انقلاب ۱۹۰۵)) بود؛
- ۴- در بعضی اموری که در فوق ذکر شد، نقض ضوابط تشکیلاتی و کوتاهی از انضباط حزبی، ارتباط نزدیکی با وجود فراکسیونها و مبارزه درون حزبی دارد -

کمیته مرکزی این گونه نقض قطعنامه های حزبی و عدول از انضباط حزبی را قاطعانه محکوم میکند و اتخاذ اقدامات لازم را برای جلوگیری از تکرار آنها در آینده، ضروری می داند.

کنفرانس ششم

کنفرانس پراگ

۱۷-۵ ژانویه ۱۹۱۲

کنفرانس ششم حزب کارگر سوسیال دموکرات روسیه که به کنفرانس پراگ معروف است از ۵ تا ۱۷ ژانویه ۱۹۱۲ در پراگ برگزار شد. مجموعاً ۱۶ نفر با حق رأی در آن شرکت داشتند. کنفرانس ششم از اهمیت تاریخی ویژه ای برخوردار است، زیرا در این کنفرانس بود که منشویکها برای همیشه از حزب طبقه کارگر روسیه اخراج شده و حزب بلشویک با هویتی مستقل شکل گرفت. لنین نقش بسیار فعالی در تدارک مقدمات برگزاری این کنفرانس بر عهده داشته و سپس در طول برگزاری کنفرانس نیز بارها در جلسات مختلف آن سخنرانی کرد و تقریباً تمامی قطعنامه های کنفرانس را شخصاً نوشت (پیش نویس قطعنامه های لنین و متن سخنرانی های وی در کنفرانس در مجموعه آثار، جلد ۱۷، صفحات ۴۵۱ تا ۴۸۶ چاپ شده است).

کنفرانس پراگ ﴿...﴾

۹۴- تغییرات در اساسنامه تشکیلاتی حزب

۱۱ ژانویه ۱۹۱۲

جمله زیر به بند ۲ افزوده شود:

طبق تصمیمات کنفرانس دسامبر (۱۹۰۸)، کنویتاسیون مجاز است.

بند ۸ حذف و به جای آن بند زیر قرار گیرد:

کمیته مرکزی کنفرانسهای نمایندگان کلیه سازمانهای حزبی را مرتباً برگزار می کند.

پاراگراف سوم بند ۹ در مورد چگونگی نمایندگی در کنگره به ترتیب زیر تغییر کند:

ضوابط نمایندگی در کنگره های آینده را کمیته مرکزی پس از مذاکرات مقدماتی با سازمانهای محلی، تعیین می کند.

۹۷- درباره خصلت و اشکال تشکیلاتی کار حزبی

با تصدیق اینکه تجربه سه سال گذشته مفاد اساسی قطعنامه کنفرانس دسامبر (۱۹۰۸) در مورد مساله تشکیلاتی را صریحاً تأیید کرده است؛ و با فرض بر اینکه احیای کنونی جنبش کارگری، تکامل بیشتر اشکال تشکیلاتی حزب در راستای همان خطوط را - یعنی ایجاد هسته های سوسیال دموکرات غیر علنی که به وسیله وسیع ترین شبکه ممکن انجمنهای کارگری علنی مختلف احاطه شده باشند - امکان پذیر خواهد ساخت -

۱- سازمانهای حزبی غیر علنی باید فعالانه در هدایت مبارزه اقتصادی (اعتصابات، کمیته های

اعتصاب و غیره) و ایجاد همکاری بین هسته های حزبی غیر علنی و اتحادیه های کارگری - به ویژه با هسته های سوسیال دموکرات در اتحادیه های کارگری و همچنین با افراد مختلف در جنبش اتحادیه های کارگری - شرکت کنند؛

۲- مطلوب است هسته های سوسیال دموکرات در اتحادیه های کارگری، که بر مبنای شغلی سازماندهی شده اند، هر جا که شرایط محلی اجازه دهد در ارتباط با شاخه های حزبی، که بر مبنای منطقه ای سازماندهی شده اند، فعالیت کنند؛

۳- باید در زمینه های زیر، بیشترین ابتکار ممکن را به کار برد: سازماندهی کار سوسیال دموکراتیک در انجمنهای علنی از قبیل اتحادیه های کارگری، اطاقهای مطالعه، کتابخانه ها انواع انجمنهای تفریحی کارگران و غیره؛ پخش و رواج مجلات صنفی و راهنمایی نشریات اتحادیه های کارگری با روحیه مارکسیستی؛ استفاده از سخنرانیهای سوسیال دموکراتها در دوما؛ تربیت سخنرانان علنی از میان کارگران؛ برپایی کمیته های انتخاباتی کارگران و دیگر رأی دهندگان در هر محله، خیابان و غیره (در رابطه با انتخابات دومای چهارم)؛ انجام تبلیغات سوسیال دموکراتیک در طول انتخابات برای ارگانهای حکومت شهری و غیره؛

۴- باید اقدامات جدی برای تقویت و گسترش تعداد هسته های حزبی غیر علنی صورت پذیرد، اشکال تشکیلاتی جدید و بسیار انعطاف پذیری برای این هسته ها جستجو شود، سازمانهای حزبی مخفی رهبری کننده در هر شهری ایجاد و تقویت شود، و لزوم اشکال تشکیلاتی توده ای مخفی مثل «کانونهای تبادل نظر» حزبی ((یعنی اشغال خیابان یا گردشگاهی در زمانی معین برای ملاقات اعضای حزب، کسب دستورات و تبادل نشریات))، نشستهای حزبی در کارخانه ها و غیره ترویج شود؛

۵- مطلوب است که محفلهای ترویجی ((مطالعاتی)) در کارهای عملی روزانه - مثل پخش نشریات غیر قانونی سوسیال دموکراتیک و آثار مارکسیستی قانونی و غیره - درگیر شوند؛

۶- باید بخاطر سپرد که تبلیغ کتبی منظم سوسیال دموکراتیک، بویژه چاپ و پخش منظم و مداوم یک روزنامه حزبی مخفی، می تواند در ایجاد ارتباطات تشکیلاتی چه در میان هسته های مخفی و چه در میان هسته های سوسیال دموکرات مخفی و انجمنهای علنی کارگران از اهمیت قابل توجهی برخوردار باشد.

۹۸- درباره انتخابات دومای دولتی چهارم

۱

کنفرانس شرکت حزب کارگر سوسیال دموکرات روسیه را در مبارزات انتخاباتی آینده برای دومای چهارم، معرفی نمایندگان مستقل توسط حزب و تشکیل یک فراکسیون سوسیال دموکراتیک در دومای چهارم را که بعنوان بخشی از حزب تابع حزب بطور کلی است، مطلقاً ضروری می داند.

وظیفه عمده حزب در انتخابات و همچنین وظیفه عمده فراکسیون سوسیال دموکرات آینده در دوما - وظیفه ای که کلیه وظایف دیگر باید تابع آن قرار گیرند - ترویج طبقاتی سوسیالیستی و سازماندهی طبقه کارگر است.

شعارهای اصلی حزب ما در انتخابات آتی، باید به قرار زیر باشد:

۱- جمهوری دموکراتیک

۲- هشت ساعت کار روزانه

۳- مصادره کلیه زمینهای بزرگ.

در کلیه تبلیغات پیش از انتخاباتی ما، این خواستها باید با وضوح تمام و بر اساس تجربه دومای سوم و حرکات حکومت در امور اجرایی مرکزی و محلی توضیح داده شود.

کلیه فعالیتهای ترویجی در مورد خواستهای دیگر برنامه حداقل سوسیال دموکراسی - مثل حق رأی عمومی، آزادی اجتماعات، انتخاب قضات و مقامات توسط مردم، بیمه دولتی برای کارگران، جایگزینی ارتش دائمی با تسلیح مردم و غیره - باید بطور تفکیک ناپذیری با سه خواست فوق مرتبط شود.

||

خط تاکتیکی کلی حزب کارگر سوسیال دموکرات روسیه در انتخابات باید به قرار زیر باشد: حزب باید مبارزه بیرحمانه ای را علیه سلطنت تزاری و احزاب سرمایه داران و اشرافیت زمین دار پشتیبان آن به پیش برد و در عین حال نظرات ضد انقلابی و دموکرات نمای لیبرالهای بورژوا (به رهبری حزب کادت) را پیگیرانه افشا کند.

در مبارزات انتخاباتی باید بر جدا کردن موضع حزب پرولتاریا از کلیه احزاب غیر پرولتری، و توضیح ماهیت خرده بورژوازی سوسیالیسم دروغین گروههای دموکرات (به ویژه ترودویکها، نارودنیکها، و سوسیال رولوسیونرها) و همچنین ضربه ای که تزلزل آنها در امور مرتبط به مبارزه انقلابی پیگیر و توده ای بر آرمان دموکراسی وارد می کند، توجه خاصی مبذول شود.

در مورد توافقیهای انتخاباتی، حزب با وفاداری به تصمیمات کنگره لندن باید:

۱- کاندیداهای خود را در کلیه گروههای انتخاباتی کارگری معرفی کند و با احزاب یا گروههای دیگر (مثل انحلال طلبان) وارد هیچ توافقی نشود؛

۲- با توجه به اهمیت تبلیغی قابل توجه معرفی صرف کاندیداهای مستقل سوسیال دموکرات، کاندیداهای خود را در اجتماعات مرحله دوم نمایندگان گروههای انتخاباتی شهری و در صورت امکان در گروههای انتخاباتی دهقانان نیز معرفی کند؛

۳- در موارد پیش آمدن رأی گیری دوم (ماده ۱۰۶ قانون انتخابات) برای انتخاب کنندگان در اجتماعات مرحله دوم نمایندگان گروههای انتخاباتی شهری، می توان با احزاب بورژوا دموکراتیک علیه لیبرالها و سپس با لیبرالها علیه کلیه احزاب حکومتی به توافق رسید. یکی از اشکال توافق

می تواند ارائه لیستهای مشترک انتخاب کنندگان برای یک یا چند شهر متناسب با تعداد آرای ریخته شده در مرحله اول انتخابات باشد؛

۴- در پنج شهر بزرگ (سن پترزبورگ، مسکو، ریگا، ادسا و کیف) که در آنها انتخابات مستقیم با پیش بینی رأی گیری دوم برگزار می شود، باید در انتخابات اول، کاندیداهای مستقل سوسیال دموکرات برای گروه انتخاباتی دوم رأی دهندگان شهری معرفی شوند. در صورت پیش آمدن رأی گیری دوم در این شهرها، به علت نبودن هرگونه تهدیدی از جانب ((کاندیداهای احزاب)) باندهای سیاه، توافقها تنها با گروههای دموکرات علیه لیبرالها مجاز است؛

۵- هیچ توافق انتخاباتی نمی تواند پلاتفرم مشترکی ارائه دهد، یا اینکه هرگونه تعهدات سیاسی را بر کاندیداهای سوسیال دموکرات تحمیل کند و یا در انتقادات قاطعانه سوسیال دموکراتها در مورد ماهیت ضدانقلابی لیبرالیسم و تزلزل و ناپیگیری دموکراتهای بورژوا، مانعی ایجاد کند.

۶- هرگاه که شکست دادن لیست ((کاندیداهای)) اکتبرستی و باندهای سیاه و یا حکومت بطور کلی، در مرحله دوم انتخابات (در اجتماعات منطقه ای نمایندگان، در اجتماعات انتخاباتی گوبرنیا(۹)) و غیره) ضروری شود، باید در مورد تقسیم کرسیهای نمایندگی، ابتدا با احزاب بورژوا دموکراتیک (ترودویکها، سوسیالیستهای مردمی و غیره) و سپس با لیبرالها، افراد غیر حزبی، ترقی خواهان و غیره، توافق حاصل کرد.

|||

کلیه سوسیال دموکراتها باید بلافاصله تدارک برای مبارزه انتخاباتی را به عهده گیرند و بدین منظور توجه خاصی به موارد زیر مبذول دارند:

۱- هسته های مخفی سوسیال دموکرات باید فوراً در همه جا تشکیل شوند تا بدون تأخیر بیشتر، تدارکات برای مبارزه انتخاباتی سوسیال دموکراسی را آغاز کنند؛

۲- باید به تقویت و گسترش مطبوعات قانونی کارگران توجه لازم مبذول شود؛

۳- کلیه فعالیتهای انتخاباتی باید در ارتباط نزدیک با اتحادیه های صنفی کارگران و با انجمنهای کارگری دیگر انجام گیرد، و در تعیین روش شرکت آنها در این فعالیتهای، قانونی بودن آنها باید در نظر گرفته شود؛

۴- باید برای تدارک تشکیلاتی و تبلیغاتی جهت انتخابات در گروههای انتخاباتی کارگری شش گوبرنیای (سن پترزبورگ، مسکو، ولادیمیر، کستروما، یکاترینوسلاو و خارکف)، که در آنها باید نماینده ای از گروههای انتخاباتی کارگری برای دوما انتخاب شود، توجه خاصی مبذول شود. کلیه انتخاب کنندگان کارگر در این و دیگر گوبرنیاها باید بدون استثنا اعضای حزب سوسیال دموکرات باشند؛

۵- مجامع نمایندگان کارگران باید، با کسب رهنمون از سازمانهای حزبی مخفی، تعیین کنند که دقیقاً چه کسی از گروه انتخاباتی کارگران برای دوما انتخاب شود، و کلیه انتخاب کنندگان را

و ادار سازند که کاندیداهای خود را به نفع کاندیدای حزب کنار بکشند - و در صورت سرپیچی، تحریم شده و به جرم خیانت محاکمه شوند؛

۶- نظر به سیاست آزار و تعقیب حکومت، دستگیری کاندیداهای سوسیال دموکرات و غیره، ضروری است که به شیوه ای کاملاً صبورانه، سیستماتیک و با دقت و احتیاط عمل کرد، از هر وسیله ای برای عکس العمل سریع در مقابل کلیه تاکتیکهای پلیس استفاده شود، کلیه نیرنگها و حرکات خشن حکومت تزاری خنثی شود و سوسیال دموکراتها به دومای دولتی چهارم انتخاب شوند و نتیجتاً گروه نمایندگان دموکرات در این دوما بطور کلی تقویت شود؛

۷- سازمانها و گروههای مخفی حزب در محل، تحت نظارت و هدایت کلیه کمیته مرکزی حزب، کاندیداهای حزب سوسیال دموکرات را تأیید و رهنمودهای انتخاباتی صادر کنند؛

۸- اگر به رغم تمام تلاشها، برگزاری کنگره حزبی یا کنفرانس جدیدی پیش از انتخابات دومای چهارم میسر نشود، این کنفرانس به کمیته مرکزی یا به هر نهاد دیگری که تعیین خواهد کرد، اختیار می دهد که درباره پیش برد مبارزه انتخاباتی در هر ناحیه و یا طبق شرایط خاصی که ممکن است پیش آید و غیره، دستورهای مشخصی صادر کند.

۱۰۰- درباره روش برخورد به طرح قانونی دوما

در مورد بیمه دولتی کارگران

۱ ...

۲- بهترین شکل بیمه کارگران، بیمه دولتی است که بر مبنای زیر استوار باشد:

الف - باید کارگران را در مقابل کلیه موارد از دست دادن قدرت کسب درآمد (تصادفات، بیماری، پیری، ناتوانی دائم؛ دوران بارداری و وضع حمل برای زنان؛ غرامت ناشی از مرگ نان آور به بیوه گان و یتیمان) و همچنین در مقابل ازدست دادن درآمد به علت بیکاری، بیمه کند؛

ب - بیمه باید کلیه مزدبگیران و خانواده آنان را تحت پوشش قرار دهد؛

ج - به کلیه افراد بیمه شده باید بر اساس اعاده تمام مزدشان تاوان پرداخت شود و کلیه هزینه های بیمه به عهده کارفرمایان و دولت باشد؛

د - تمام اشکال بیمه، باید توسط سازمانهای بیمه یکسان از نوع منطقه ای، که بر اصل مدیریت کامل بوسیله بیمه شدگان مبتنی هستند، اداره می شوند.

۳- کلیه الزامات بنیادی فوق برای تهیه یک نظام بیمه معقول، با طرح قانونی حکومت که دومای دولتی آنرا مورد پذیرش قرار داده است، صریحاً در تضاد است؛ این قانون بیمه حکومتی:

الف - تنها شامل دو نوع بیمه است - بیمه در مقابل تصادفات و بیمه در مقابل بیماری؛

ب - تنها بخش کوچکی از پرولتاریای روسیه را تحت پوشش قرار می دهد، و مناطق وسیعی از کشور (مثل سیبری و همچنین قفقاز، طبق نظر حکومت)، و همچنین گروههای بزرگی از

کارگران را، که مشخصاً به بیمه احتیاج دارند (مثل کارگران کشاورزی، ساختمانی، راه آهن، پست و تلگراف، فروشندگان مغازه ها و غیره) خارج از نظام بیمه قرار می دهد؛

ج - سطح نازلی برای پرداخت تاوان در نظر گرفته است (حداکثر تاوان برای ناتوانی ناشی از آسیب دیدگی، دو سوم میزان دستمزد است و این نیز بر پایه ای محاسبه می شود که از درآمدهای واقعی پایین تر است) و در عین حال قسمت عمده هزینه های بیمه را به دوش کارگران می گذارد...؛

د - مؤسسات بیمه را از هرگونه استقلالی محروم کرده است و آنها را تحت نظارت شدید بوروکراتها، ژاندارمها، پلیس و مدیران قرار می دهد ...

||

بر اساس آنچه که گفته شد، کنفرانس مقرر می دارد که:

۱- سازمانهای حزبی غیر علنی و همچنین رفقای که در سازمانهای علنی (اتحادیه های کارگری، باشگاهها، تعاونیها و غیره) کار می کنند، وظیفه عاجل دارند که تبلیغات وسیعی را علیه طرح قانون بیمه ارائه شده به دوما بسط و گسترش دهند، زیرا که این طرح منافع طبقاتی کل پرولتاریای روسیه را تحت تأثیر قرار داده و آنرا به خشن ترین وجهی نقض می کند.

۲- از نظر کنفرانس تأکید این نکته ضروری است که سوسیال دموکراسی در تبلیغات خود در مورد طرح قانون بیمه، باید بکوشد تا آنرا با موقعیت طبقاتی پرولتاریا در جامعه سرمایه داری معاصر، با نقد توهمات بورژوازی که توسط سوسیال فرمیستها رواج داده می شود، و با وظایف سوسیالیستی اساسی ما بطور کلی، پیوند دهد؛

از سوی دیگر، این تبلیغات باید ماهیت «رفرم» دوما را با وضعیت سیاسی کنونی و با وظایف و شعارهای انقلابی دموکراتیک ما به طور کلی مرتبط سازد.

۳- کنفرانس در حالی که از رأی منفی فراکسیون سوسیال دموکرات در دوما در مورد طرح قانون بیمه کاملاً پشتیبانی می کند، توجه رفقا را به منابع وسیع و پر ارزشی که مباحثات دوما در اختیار می گذارد و موضع طبقات را نسبت به رفرم کارگری روشن می سازد، جلب می کند...

۴- کنفرانس نسبت به کلیه تلاشهایی که با محدود ساختن تبلیغات سوسیال دموکراتیک در چارچوب قانونی که دوره کنونی تسلط نیروهای ضد انقلاب مجاز دانسته، در صدد مخدوش یا منحرف ساختن این تبلیغات هستند، شدیداً به کارگران هشدار می دهد؛ برعکس کنفرانس تأکید می کند که موضوع اصلی در این تبلیغات باید توضیح این حقیقت به توده های وسیع پرولتاری باشد که بدون یک خیزش انقلابی جدید، هیچگونه امکان بهبود واقعی در وضعیت کارگران وجود ندارد؛ و اینکه هر کس که خواهان ایجاد رفرم واقعی کارگری است، باید قبل از هر چیز برای انقلاب پیروزمند جدیدی مبارزه کند.

۵- در صورتی که، به رغم اعتراضات پرولتاریای آگاه، این طرح از تصویب دوما بگذرد،

کنفرانس از رفقا می خواهد تا از اشکال تشکیلاتی جدیدی که این قانون ایجاد می کند (مثل صندوق بیماری کارگران)، برای پیشبرد ترویج مؤثر عقاید سوسیال دموکراسی در آنها استفاده کنند؛ و بدین ترتیب قانونی را که به منظور سرکوب پرولتاریا و تحمیل قید و بندهای جدیدی بر آن تدبیر شده است، به سلاحی برای رشد آگاهی طبقاتی پرولتاریا، نیرومند کردن بیشتر آن از لحاظ تشکیلاتی و شدت بخشیدن مبارزه اش برای آزادی کامل سیاسی و سوسیالیسم تبدیل سازند.

۱۰۲- درباره انحلال طلبی و گروه انحلال طلبان

نظر به اینکه:

۱- حزب کارگر سوسیال دموکرات روسیه برای مدت تقریباً چهار سال قاطعانه علیه گرایش انحلال طلبی مبارزه کرده است...

۲- در ادامه مبارزه علیه این گرایش، پلنوم کمیته مرکزی در ژانویه ۱۹۱۰ آنرا به اتفاق آرا تجلی نفوذ بورژوایی بر پرولتاریا اعلام کرد، و گسست کامل از انحلال طلبی و غلبه نهایی بر این انحراف بورژوایی از سوسیالیسم را پیش شرط اتحاد واقعی حزب و ادغام جناحهای بلشویک و منشویک پیشین، تعیین کرد؛

۳- به رغم کلیه تصمیمات حزب و به رغم تعهدات پذیرفته شده توسط نمایندگان کلیه جناحها در پلنوم ژانویه ۱۹۱۰، بخشی از سوسیال دموکراتها، که حول نشریات «ناشازاریا» و «دیلوژیزنی» (Delo Zhizni) جمع شده اند، آشکارا از جریانی دفاع می کنند که کل حزب آنرا به مثابه محصول نفوذ بورژوایی بر پرولتاریا تشخیص داده است؛

۴- اعضای پیشین ((منشویک)) کمیته مرکزی - میخائیل یوری و رومان - نه تنها در بهار ۱۹۱۰ از پیوستن به ((هیات اعضای داخل روسیه)) کمیته مرکزی خودداری کردند، بلکه حتی از حضور در یک نشست هم برای عضوگیری جدید سر باز زدند و صریحاً اعلام داشتند که وجود خود کمیته مرکزی حزب را «زیان آور» می دانند؛

۵- نشریان انحلال طلب عمده فوق الذکر - یعنی «ناشازاریا» و «دیلوژیزنی» - دقیقاً پس از پلنوم ۱۹۱۰، سیاست انحلال طلبی را در تمام جنبه هایش بطور قطعی اتخاذ کردند و (به رغم قطعنامه های پلنوم) نه تنها «اهمیت حزب مخفی را بی ارزش دانسته»، بلکه صریحاً خود حزب را رد کردند؛ اظهار داشتند که حزب دیگر «از بین رفته» و قبلاً منحل شده است؛ احیای حزب مخفی را «اتوپیای ارتجاعی» توصیف کردند و در صفحات نشریات قانونی حزب را مورد دشنام و ناسزا قرار دادند، و از کارگران خواستند که هسته های حزبی و سلسله مراتب آنها را «منسوخ» بدانند و غیره؛

۶- درست در زمانی که اعضای حزب در سراسر روسیه، بدون توجه به جناح بندی، کوششهای

خود را برای وظیفه فوری برگزاری کنفرانس حزبی هماهنگ کرده اند، انحلال طلبان خود را در گروه‌های کاملاً مستقل مجزا ساخته و حتی در مناطق تحت تسلط منشویکها (یکاترینوسلاو و کیف) از هم جدا شده اند، و از برقراری هرگونه ارتباطات حزبی با سازمانهای محلی حزب کارگر سوسیال دموکرات روسیه، خودداری می‌ورزند -

بنابراین کنفرانس اعلام میکند که گروه «ناشازاریا» و «دیپلوماتی» به واسطه رفتارشان، خود را بطور قطع در خارج از حزب قرار داده است.

کنفرانس از کلیه اعضای حزب می‌خواهد که، بدون توجه به گرایش یا اختلاف نظرشان، علیه انحلال طلبی مبارزه کنند، دامنه زیانبار آنها برای آرمان‌رهای طبقه کارگر توضیح دهند و همه توان خود را در راه بازسازی و تحکیم حزب کارگر سوسیال دموکرات مخفی به کار گیرند.

۱۰۳- درباره تشکیلات حزب در خارج از کشور

۱۰ ژانویه ۱۹۱۲

کنفرانس وجود تشکیلات حزبی واحدی را در خارج از کشور که تحت نظارت و هدایت کمیته مرکزی به حزب یاری رساند، مطلقاً ضروری میدانند.

کنفرانس بدین وسیله «کمیته سازمانهای خارج از کشور» را به عنوان یکی از سازمانهای حزب در خارج تأیید می‌کند و از کلیه عناصر حزبی، بدون توجه به گرایش یا جناح بندی، که از وجود حزب مخفی پشتیبانی به عمل آورده و با گرایشهای ضد حزبی (انحلال طلبی) بیرحمانه مبارزه میکنند، درخواست دارد که حول کمیته مرکزی متحد شوند تا حزب را برای انجام کارهایش در داخل روسیه و ایجاد تشکیلات واحدی در خارج از کشور یاری رسانند.

کلیه گروههای خارج از کشور باید بدون استثنا، تنها از طریق کمیته مرکزی با سازمانهای داخل روسیه ارتباط برقرار کنند.

کنفرانس بدین وسیله اعلام می‌دارد گروههای خارج از کشور که از مرکز فعالیت سوسیال دموکراتیک در روسیه، یعنی از کمیته مرکزی، تبعیت نمی‌کنند، و با برقراری ارتباطات مستقل از کمیته مرکزی با روسیه، باعث اختلال تشکیلاتی می‌شوند، نمی‌توانند از نام حزب کارگر سوسیال دموکرات روسیه استفاده کنند.

نشست پاریس

۲۸ فوریه ۱۹۱۲

نیروهای ضد لنین و بلشویکها، برای مقابله با تصمیمات انقلابی کنفرانس تاریخی پراگ (کنفرانس ششم) در ۲۸ فوریه ۱۹۱۲ در پاریس دور هم جمع شدند. بوندیستها، منشویکهای طرفدار پلخانف (معروف به منشویکهای طرفدار حزب)، منشویکهای طرفدار مارتف، و پریودیستها و

همچنین نمایندگان گروه کوچکی از بلشویکهای آشتی طلب در آن حضور داشتند و تروتسکی مبتکر اصلی برگزاری این گردهمایی بود. آنان کنفرانس پراگ را به عنوان یک «کودتا» و غصب پرچم حزب محکوم کرده و از کمیته های محلی خواستند تا به تصمیمات آن توجهی نکنند (سند ۱۰۴). آنان همچنین خواستار تشکیل فوری یک کنفرانس حزبی شدند. نیروهای فوق سرانجام موفق می شوند که با برگزاری کنفرانس اوت ۱۹۱۲ (که در بخش بعد به آن خواهیم پرداخت) بلوکی ضد لنینی تشکیل دهند که به «بلوک اوت» معروف است.

۱۰۴ - ((درباره کنفرانس پراگ))

۲۸ فوریه ۱۹۱۲

نظر به اینکه:

۱- کنفرانس ((ششم)) توسط «کمیسیون تشکیلاتی روسیه» برگزار شده است که از ابتدای پیدایش خود هرگز حتی یک نفر نماینده از هیچیک از سازمانهای ملیتها در آن عضو نبوده و بسیاری از سازمانهای محلی و «سازمان ابلاست قفقاز» آنرا به رسمیت نشناخته، و فعالیتهای فراکسیونی این کمیسیون و حتی امتناع آن از پذیرفتن نمایندگان گرایشها و سازمانهای دیگر به عضویت خود، سرانجام تمامی سازمانهای ملیتها و گرایشهای حزب بجز لنینیستها را در مقابل خود قرار داده است؛

۲- تنها بعضی سازمانهای منحصرأ روسی در این کنفرانس شرکت داشتند و اعتبار نمایندگی مهمترین آنان نیز قبلاً توسط خود این سازمانها مورد اعتراض قرار گرفته است؛

۳- این کنفرانس حتی از تئورسینهای گرایشهای حزبی به غیر از گرایش لنین دعوت نکرده و کاملاً بر اطلاعات مغرضانه تفرقه جویان اعتماد کرد؛

۴- به رغم همه نکات فوق، گستاخی کنفرانس بدان حد بود که خود را، با ادعای زیاد «کنفرانس سراسری روسیه» نامید و بالاترین ارگان حزب اعلام داشت و کمیته مرکزی انتخاب کرد- بنابراین این نشست کنفرانس ((ششم)) را تلاش آشکاری برای غصب پرچم حزب توسط گروهی از افراد ارزیابی می کند که حزب را عمداً به سوی انشعاب سوق می دهند، این نشست همچنین متأسف است که بعضی از سازمانهای حزبی و عده ای از رفقا خود را در معرض فریب و اغفال قرار داده و بدین ترتیب به سیاست انشعاب و غصب از جانب گروه لنین یاری رساندند.

این نشست اطمینان دارد که کلیه سازمانهای حزب در روسیه و در خارج از کشور قاطعانه علیه کودتایی که انجام شده اعتراض خواهند کرد و از به رسمیت شناختن مراکز منتخب این کنفرانس سر باز زده و با تشکیل کنفرانسی که حقیقتاً نماینده کل حزب باشد، برای بازسازی اتحاد حزبی هر کوششی به عمل آورند...

کنفرانس اوت

کنفرانس وین

۲۰-۱۲ اوت ۱۹۱۲

پس از برگزاری کنفرانس ششم و اخراج منشویکها از حزب که موفقیت درخشانی برای بلشویسم محسوب می شد، نیروهای ضد لنینیستی به رهبری تروتسکی به تلاش افتادند تا به طرق مختلف تصمیمات آن را خنثی سازند. تروتسکی پس از تلاشهای بسیار موفق شد تا اکثریت نیروهای ضد لنینی را برای برگزاری کنفرانسی در اوت ۱۹۱۲ در وین گرد آورد.

در این کنفرانس که از راست افراطی (منشویکهای انحلال طلب) تا چپ افراطی (پریودیستها) در آن شرکت داشتند و تنها نقطه مشترک بین آنان مخالفت با لنینیسم بود، بلوکی از نیروهای ضد لنینی تشکیل شد که به «بلوک اوت» معروف است. تروتسکی که مدعی بود با برگزاری کنفرانس اوت می خواهد جناحهای مختلف حزب را متحد سازد، حتی نتوانست نیروهای ضد لنینی را با هم متحد کند. این بلوک پس از چندی شروع به تلاشی کرد و پس از گذشت یک سال چیزی از آن باقی نماند.

ماهیت اپورتونیستی بلوک اوت وقتی کاملاً آشکار می شود که به مصوبات کنفرانس اوت نظر بیافکنیم. هیچیک از قطعنامه های آن شعارهای اصلی انقلاب روسیه یعنی جمهوری دموکراتیک، ۸ ساعت کار روزانه و مصادره زمینهای بزرگ را مطرح نمی کند. بلوک اوت در ادامه خط مشی رفرمیستی منشویسم، کاربرد قهر انقلابی را نکوهش نکرده (سند ۱۱۳) و تنها مبارزه اقتصادی را برای پرولتاریا مجاز می دانست (سند ۱۰۹). بلوک اوت قصد داشت تا یک حزب علنی مثل احزاب سوسیال دموکرات اروپا ایجاد کند و از این رو با ایده لنینی حزب مخفی رزمنده شدیداً مخالف بود (سند ۱۰۸). یکی از بزرگترین انحرافات کنفرانس اوت پذیرش ایده «خودمختاری ملی - فرهنگی» و نفی حق تعیین سرنوشت توسط ملیتها بود (سند ۱۱۴) که لنین آن را شدیداً محکوم می کرد.

کنفرانس اوت و تشکیل بلوک اوت، ماهیت اپورتونیستی تروتسکیسم را در این دوره به روشنی آشکار می سازد.

۱۰۶- درباره وحدت تشکیلاتی

کنفرانس از اینکه کوششهای کمیته تشکیلاتی برای ایجاد وحدت تشکیلاتی بین بخشهای مختلف حزب کارگر سوسیال دموکرات روسیه با موفقیت کامل روبرو نشده و بعضی گروهها و سازمانهای حزبی حتی حضور در کنفرانس کنونی را برای بحث و گفتگو در باره مساله بازسازی وحدت حزبی یا حداقل پیشبرد هماهنگ مبارزه انتخاباتی ((برای دوما)) میسر نیافتند، عمیقاً اظهار تأسف

میکنند.

کنفرانس مساله فوق را ناشی از این واقعیت می داند که بخشهایی از سوسیال دموکراسی روسیه از صدماتی که بحران حزبی سالهای اخیر بر آرمان پرولتاریا وارد کرده است، آگاهی کافی ندارند. کنفرانس به نوبه خود بدین وسیله متذکر می شود که کلیه بخشهای سوسیال دموکراسی روسیه تنها یک برنامه واحد حزبی را به رسمیت شناخته و همه بر این مساله آگاهی دارند که به رغم خصلت غیر علنی تشکیلات سوسیال دموکراسی در حال حاضر، عرصه عمده فعالیت سوسیال دموکراسی در امکانات مختلف برای مبارزه سیاسی و اقتصادی علنی موجود برای پرولتاریا و مشخصاً در دومای دولتی یافت می شود. بنابراین کنفرانس اختلافات پیرامون مسایل تاکتیکی و به ویژه پیرامون اشکال تشکیلاتی پرولتاریا و خود حزب را، که تا به حال انگیزه اصلی پاره شدن حزب به جناحهای کوچک و بزرگ بوده، به هیچ وجه مبنای کافی و قانع کننده ای برای انشعاب نمیداند.

با اطمینان به اینکه رشد جنبش پرولتری و مخصوصاً تحکیم موقعیتی که در مبارزه طبقاتی آشکار به دست آورده است، حزب سوسیال دموکرات را هر چه فوری تر به سوی نابودی تفرقه جویی، انزوا و عدم تساهل گروههای فرقه گرا سوق خواهد داد، بنابراین کنفرانس مقرر میدارد که:

۱- به سازمانهای محلی توصیه شود تا برای وحدت تشکیلاتی و یا حداقل برای هماهنگی فعالیت کلیه گروههای سوسیال دموکرات فعال در سطح محلی تلاش کنند.

۲- کمیته تشکیلاتی وظیفه فوری کسب توافق با بخش های دیگر حزب جهت انجام مذاکرات برای برگزاری یک کنفرانس یا کنگره حزبی مشترک را به عهده گیرد.

۳- آمادگی خود را برای پذیرش میانجیگری دفتر انترناسیونال سوسیالیست در مورد اعاده وحدت تشکیلاتی با بخشهای دیگر حزب کارگر سوسیال دموکرات روسیه به اطلاع آن برساند.

۱۰۸- درباره اشکال تشکیلاتی رشد حزب

کنفرانس بعد از بحث و مذاکره در مورد اشکال و شیوه های رشد حزب، به نتایج زیر دست یافته است:

۱- تحول سوسیال دموکراسی به یک تشکیلات خودگردان پرولتاریای سوسیال دموکرات، تنها تا اندازه ای قابل حصول است که این تشکیلات سوسیال دموکرات طی فرایند جلب توده های کارگر به زندگی اجتماعی - سیاسی آشکار در تمام مظاهرش هستی یافته باشد؛

۲- با توجه به شرایط اجتماعی - سیاسی تغییر یافته در مقایسه با دوران پیش از انقلاب ((۱۹۰۵))، سازمانهای حزبی غیر علنی موجود و جدیداً ایجاد شده باید خود را با اشکال و روشهای جدید جنبش کارگری علنی وفق دهند؛

۳- گرچه تشکیلات حزب سوسیال دموکرات باید بطور کلی مخفی باقی بماند، ولی حزب باید هم اکنون تلاش کند تا بعضی جنبه های کار حزبی را بطور علنی انجام داده و نهادهای ((علنی)) مناسب را برپا سازد؛

۴- از آنجا که تشکیلات حزب سوسیال دموکرات به علت موجودیت غیر علنی اش نمی تواند لایه های وسیع کارگران تحت نفوذش را در چارچوب خود جمع کند، باید از طریق تشکیل انواع گوناگون سازمانهای سیاسی «علنی» و غیر علنی و ایجاد پوششهای علنی مختلف (مثل کمیته های انتخاباتی، انجمنهای سیاسی مجاز طبق قانون چهارم مارس ۱۹۰۶، کمیسیونهای شهرداری، انجمنهای مبارزه با تورم و غیره)، و همچنین از طریق هماهنگ ساختن فعالیتهای حزبی با فعالیتهای سازمانهای کارگری غیرسیاسی، با آن بخش از پرولتاریا که از لحاظ سیاسی فعال است (و از طریق آن با توده ها) ارتباط برقرار سازد.

۱۰۹- درباره مبارزه اقتصادی

...کنفرانس از کارگران می خواهد تا از شرایط شکوفایی صنعتی برای تشدید گسترش اتحادیه های کارگری استفاده کنند؛ در مناطقی که چنین سازمانهایی موجود است، کنفرانس از آنها میخواهد که رهبری مستقیم یا غیر مستقیم اعتصابات را به عهده گیرند، و در مناطقی که چنین اتحادیه هایی وجود نداشته و امکان ایجاد آنها نیز نباشد، سازمانهای زیر را برپا دارند:

۱- کمیسیونهای اتحادیه های کارگری، که وظیفه عمده آنها مبارزه برای ایجاد اتحادیه های کارگری علنی خواهد بود؛

۲- کمیته های موقت اعتصاب، هم کمیسیونهای اتحادیه های کارگری و هم کمیته های اعتصاب باید توسط کارگران هر صنف معینی انتخاب شوند.

کنفرانس لزوم گسترش و توسعه بیشتر مطبوعات اتحادیه های کارگری را به ویژه خاطرنشان میسازد. کنفرانس استفاده از نمایندگی شاخه های محلی اتحادیه های کارگری را برای تحکیم موقعیت کارگران در مبارزات اقتصادی توصیه می کند.

کنفرانس در موافقت کامل با موضع کنونی اتحادیه های کارگری توصیه میکند که سازمانهای حزبی برای سازماندهی و سیستماتیزه کردن مبارزات اقتصادی توده های کارگر از هیچ کوششی دریغ نکنند و به کارگران هشدار می دهد که بدون در نظر گرفتن نیروی خود و نیروی دشمن و یا بدون تدارک کافی وارد اعتصاب نشوند.

... کنفرانس از کلیه کارگران می خواهد که:

- ۱- به تشکیل همزمان صندوقهای بیماری و اجرای عمومی قوانین بیمه در همه جا، نایل شوند؛
- ۲- تعیین مقررات صندوق بیماری را در اختیار گرفته و کارفرمایان را وادار سازند تا طرحهایی را که خود کارگران مؤسسات اقتصادی مربوطه تهیه کرده اند، برای تأیید پیشنهاد کنند؛
- ۳- از همان ابتدای تشکیل صندوقهای بیماری، به ویژه در مؤسسات کوچک، تلاش کنند تا این صندوقها در وسیع ترین مقیاس ممکن تشکیل شوند و با هم ارتباط داشته باشند؛
- ۴- رفقای را برای نمایندگی در نشستهای مشترک و برای عضویت در هیات مدیره صندوقهای بیماری انتخاب کنند که با ارزش ترین بوده و بیش از همه به آرمان کارگران وفادار هستند - در صورت امکان، بهتر است این رفقا از میان کسانی انتخاب شوند که طی کار عملی خود در سازمانهای کارگران، درک روشنی از منافع طبقه کارگر، ثابت قدمی در دفاع از این منافع و توانایی های تشکیلاتی لازم را نشان داده اند؛
- ۵- از نهادهای منتخب و نمایندگان خود در مؤسسات بیمه از هر طریق ممکن - حتی با برگزاری اعتصاب - پشتیبانی کنند؛
- ۶- به هر طریق ممکن صاحبان کارخانه را تحت فشار قرار دهند تا مجبور شوند که صندوقهای بیماری و اداره آنها را به کارگران بیمه شده منتقل کنند، و حقوق ویژه ای را که قانون به صاحبان کارخانه اعطا کرده (مثل برخورداری از دو سوم آرا در نشست نمایندگان، حق داشتن نصف اعضا در اداره صندوق بیماری، حق ریاست نشست عمومی، سرپرستی وجوه صندوق و غیره)، انکار کنند؛
- ۷- بکوشند تا قلمرو فعالیتها و عملکردهای صندوقهای بیماری را گسترش دهند و سازماندهی کلیه کمکهای پزشکی (در حالی که پرداخت هزینه ها کافی السابق بر عهده کارفرمایان باشد) و سرپرستی و اداره وجوه و اوراق بهادار را به صندوقهای بیماری منتقل کنند...

۱۱۳- درباره وقایع اخیر در ارتش و نیروی

دریایی

کنفرانس، به شجاعت و از خود گذشتگی رفقای ملوان و رفقای سربازی که در حرکات اخیر در دریای سیاه و دریای بالتیک و در ترکستان شرکت جستند و برای دست یابی به زندگی بهتر و آزادی خون خود را نثار کردند، درود می فرستد. پیدایش روحیه خشم و تنفر در ارتش و نیروی دریایی نشانه آن است که روابط دوستانه نزدیکی که در سالهای ۱۹۰۵-۱۹۰۶ در بین ارتش و پرولتاریای سوسیالیست به وجود آمده بود، به رغم تبلیغات باندهای سیاه در نیروهای مسلح و

حاکمیت جو اختناق خونین بر پادگانها، دوباره در حال احیا شدن است. کنفرانس از رفقای که هرگونه اطلاعاتی درباره وضع زندگی در پادگانها دارند درخواست می کند تا با ارائه مطالب افشاگرانه از وضعیت اختناق در پادگانها به فراکسیون سوسیال دموکرات در دوما و به مطبوعات سوسیال دموکرات، به رشد خودآگاهی مدنی و سیاسی سربازان کمک کنند. کنفرانس در عین حال ضروری می داند که توجه رفقا را به این مساله جلب کند که شورش در ارتش یا نیروی دریایی و یا تلاش برای شورشهای نظامی که جدا از جنبش سراسری صورت گیرد، غیر مقتضی و بی نهایت خطرناک هستند.

اینگونه تلاشها، در غیاب یک جنبش انقلابی وسیع و خود انگیخته توده های مردم، تنها میتواند به فداکاریهای سنگین و بی فایده، وقفه در فعالیتهای تبلیغی و ترویجی در بین نیروهای نظامی و بالاخره به تیرگی بی جهت روابط بین سربازان و ملوانان مترقی و اکثریت بی تفاوت آنان، که تلافی های ناشی از یک شورش ناموفق را تحمل خواهند کرد، منجر می شود.

کنفرانس توجه رفقا را به این واقعیت جلب می کند که وقتی جنبش در نیروهای مسلح ابعاد جدی به خود می گیرد، حکومت در بعضی مواقع می کوشد تا با برانگیختن شورش مصنوعی، رشد بیشتر جنبش را متوقف سازد؛ بنابراین، شدیداً احتمال دارد که «اخرانا» (Okhrana) (پلیس سیاسی تزاری) در تحریک مستقیم بعضی وقایع اخیر دست داشته باشد.

بدین ترتیب، به اعتقاد کنفرانس، کلیه سوسیالیستهای آگاه در ارتش و نیروی دریایی موظف به انجام این وظیفه سنگین و مقدس هستند که رفقای را که از آگاهی و تجربه کمتری برخوردارند، از دست زدن به اعمال زودرس و بی فایده جهت بهره جویی از خشم و نومیدی که اختناق غیر قابل تحمل و سیاست تحقیر شخصیت حاکم بر پادگانها در توده های سربازان و ملوانان ایجاد می کند، باز دارند. در هر حال، سوسیالیستهای آگاه باید به رفقای خود توضیح دهند که در لحظات نظیر لحظه کنونی، پرولتاریای سوسیالیست فقط در یک صورت شورش آشکار را ناگزیر می داند - و آن زمانی است که سربازان با این خواست مقامات مواجه شوند که علیه مردم اسلحه به دست گیرند.

کنفرانس ضمن ابراز همدردی عمیق با رفقای که در شورشهای اخیر متحمل رنج و سختی شده اند و گرامیداشت یاد رفقای که در حال مبارزه و بر چوبه دار جان سپردند، خشم و انزجار پرولتاریای سوسیال دموکرات روسیه را نسبت به کشتار بی رحمانه ای که حکومتی ترسو و وحشی بر شرکت کنندگان در شورشهای نظامی و بر اعضای سازمانهای نظامی اعمال داشته، ابراز میکند.

۱۱۴ - درباره مساله خودمختاری ملی - فرهنگی

پس از شنیدن گزارش نماینده قفقاز مبنی بر اینکه در کنفرانس اخیر سازمانهای حزب کارگر

سوسیال دموکرات روسیه در قفقاز و در ارگانهای مطبوعاتی این سازمانها، رفقای قفقازی ضرورت طرح خواست خودمختاری ملی - فرهنگی را ابراز داشته اند، کنفرانس اعلام می کند که چنین تفسیری از بند برنامه حزب در مورد به رسمیت شناختن حق هر ملیتی در تعیین سرنوشت خویش، با معنای دقیق آن بند مغایر نیست، و امیدوار است که مساله ملی در دستور جلسه کنگره آینده حزب کارگر سوسیال دموکرات روسیه قرار گیرد.

نشست کمیته مرکزی در کراکو

۲۶ دسامبر ۱۹۱۲ - ۱ ژانویه ۱۹۱۳

مبارزات طبقه کارگر روسیه در سال ۱۹۱۲ اوج تازه ای یافته بود و روسیه بار دیگر به دوران اعتلای انقلابی گام می نهاد. مساله تحلیل وضعیت جاری و تعیین وظایف حزب می بایست در دستور کار قرار گیرد. نشست کمیته مرکزی در کراکو اساساً به همین منظور فرا خوانده شد. این نشست که لنین مقدمات برگزاری آن را فراهم کرده بود، از ۲۶ دسامبر ۱۹۱۲ تا ۱ ژانویه ۱۹۱۳ در کراکو (لهستان) برگزار شد و مجموعاً ۱۴ بلشویک در آن حضور داشتند. نشست کراکو اولین نشستی بود که پس از کنفرانس ششم (کنفرانس پراگ) و اخراج منشویکها از حزب برگزار می شد و در واقع نشستی کاملاً بلشویکی بود. این نشست به دلایل مخفی کاری، به نشست فوریه نیز معروف است.

تمام قطعنامه هایی که در نشست کراکو به تصویب رسید توسط لنین تهیه شده بود (متن کامل پیش نویسهای این قطعنامه ها در مجموعه آثار، جلد ۱۸، صفحات ۷۶-۴۴۷ چاپ شده است). مصوبات ﴿...﴾

۱۱۵- درباره اعتلای انقلابی، اعتصابات و

وظایف حزب

۱- واقعیت عمده در تاریخ جنبش کارگری و انقلاب روسیه در ۱۹۱۲، گسترش قابل توجه جنبش اعتصابی اقتصادی و سیاسی پرولتاریا است. شمار اعتصاب کنندگان سیاسی به یک میلیون رسیده است.

۲- خصلت جنبش اعتصابی در ۱۹۱۲ شایان توجه ویژه است. در بسیاری موارد کارگران خواستهای اقتصادی و سیاسی را با هم مطرح ساختند؛ موج اعتصابات اقتصادی به موجی از اعتصابات سیاسی تبدیل شد و سپس عکس آن رخ داد. مبارزه با سرمایه داران برای بازگرداندن دستاوردهای ((انقلاب)) ۱۹۰۵، که توسط ضد انقلاب پس گرفته شده بود، و هزینه در حال افزایش زندگی، بخشهای جدیدی از کارگران را بیدار کرده و آنان را با مسایل سیاسی، در حادثترین

شکل خود، مواجه ساخت. کلیه این اشکال گوناگون تلفیق و درهم آمیختگی مبارزه اقتصادی و سیاسی، پیش شرط و ضامن قدرت جنبش بوده و به موجی از اعتصابات انقلابی عمومی منجر می شود.

۳- آغاز انفجار نارضایتیها و شورشها در نیروی دریایی و ارتش، که نقطه اوج سال ۱۹۱۲ بود، بدون شک با اعتصابات انقلابی عمومی کارگران ارتباط داشت؛ این امر نشانه ایست از نارضایتی و خشم فزاینده در بین محافل وسیع دموکراتیک و به ویژه در بین دهقانان که منبع اصلی تأمین سرباز هستند.

۴- کلیه واقعیات فوق به همراه چرخش عمومی به سوی چپ در کشور، که به رغم بیشرمانه ترین تدابیر حکومت تزاری باندهای سیاه، اثرات خود را بر انتخابات دومای چهارم بر جای گذاشت، نهایتاً مبین آن بود که روسیه دوباره وارد دوران مبارزه انقلابی آشکار توده ها می شود. انقلاب جدیدی که اولین مرحله اش را هم اکنون تجربه می کنیم، نتیجه ناگزیر ورشکستگی سیاستهای ((کودتای)) سوم ژوئن ((۱۹۰۷)) تزار است. این سیاست نتوانست حتی متعلق ترین بخش بورژوازی بزرگ را خشنود کند، ضمن آنکه توده های مردم و به ویژه ملیتهای تحت ستم هر چه بیشتر از حقوق خویش محروم شدند و میلیونها دهقان بار دیگر به گرسنگی افتادند.

۵- تحت چنین شرایطی، اعتصابات انقلابی عمومی از اهمیت استثنایی برخوردار است، زیرا یکی از مؤثرترین وسایل برای غلبه بر بی تفاوتی، یأس و پراکندگی پرولتاریای روستا و دهقانان، و برای برانگیختن حرکات خود انگیخته سیاسی آنان و جلب شان به سوی اقدامات انقلابی وسیع تر، هماهنگ تر و همزمان تر، است.

۶- سازمانهای حزبی باید ضمن توسعه و تشدید تبلیغاتشان برای تحقق خواستهای حزب کارگر سوسیال دموکرات روسیه - یعنی جمهوری دموکراتیک، هشت ساعت کار روزانه و مصادره کلیه زمینهای بزرگ به نفع دهقانان -، پشتیبانی همه جانبه از اعتصابات انقلابی عمومی و همچنین گسترش و سازماندهی کلیه اشکال عمل انقلابی توسط توده ها را در زمره الویتهای عمده فعالیتهای خود قرار دهند. سازماندهی تظاهرات انقلابی خیابانی، چه بعنوان حرکاتی توأم با اعتصابات سیاسی و چه بعنوان حرکاتی مستقل، به مثابه یک وظیفه فوری حزب از اهمیت ویژه ای برخوردار است.

۷- توسل بعضی از سرمایه داران به تعطیل کارخانه (اخراج دسته جمعی) برای مقابله با اعتصاب کنندگان، طبقه کارگر را با وظایف جدیدی روبرو می سازد، ضروری است که شرایط اقتصادی موجد اعتصاب در هر ناحیه، در هر شاخه صنایع و در هر مورد خاصی دقیقاً مورد توجه قرار گیرد؛ شیوه های جدیدی (مثل اعتصاب ایتالیایی ((بست نشستن))) برای مقابله با تعطیل کارخانه به کار گرفته شود؛ و اعتصابات سیاسی جایگزین جلسات انقلابی و تظاهرات خیابانی انقلابی شود.

۸- برخی نشریات قانونی صرف نظر از عقایدشان نسبت به هر اعتصاب مشخص، علیه اعتصابات انقلابی عمومی بطور کلی تبلیغات می کنند. این تبلیغات نه تنها در نشریات لیبرالی مطرح می شود، بلکه بعنوان مثال، گروهی از انحلال طلبان نیز در روزنامه لوچ (Luch)، به رغم نظرات بخش قابل توجهی از کارگرانی که به طریقی از این روزنامه حمایت می کنند، چنین تبلیغاتی را مطرح می سازند. بنابراین کلیه فعالین حزبی سوسیال دموکرات وظیفه دارند که: ۱- علیه این گروه قاطعانه به مبارزه پردازند؛ ۲- دامنه وسیع صدمات ناشی از این مواعظ را بطور سیستماتیک و پیگیر به تمام کارگران، صرف نظر از گرایش آنان، توضیح دهند؛ ۳- و تمام نیروهای پرولتری را برای گسترش بیشتر تبلیغات انقلابی و عمل انقلابی عمومی دور هم جمع کنند.

۱۱۷- درباره روش برخورد به انحلال طلبی و وحدت

- ۱- ... محکوم شمردن انحلال طلبان به هیچ وجه به خاطر تأکید آنان بر ضرورت کار علنی نیست، بلکه بخاطر نفی کردن حزب مخفی و نابود ساختن آن است ...
- ۲- انحلال طلبان با کنار کشیدن از حزب مخفی و تشکیل گروههای جدا از سازمانهای حزبی محلی، شکافی را به وجود آوردند که بعداً با برپایی به اصطلاح «گروههای ابتکار» (Initiative Groups) در نقاط مختلف، بویژه در سن پترزبورگ، به آن رسمیت بخشیدند...
- ۳- کنفرانس اوت ۱۹۱۲ که خود را «کنفرانس سازمانهای حزب کارگر سوسیال دموکراتیک روسیه» نامید، در واقع چیزی جز یک کنفرانس انحلال طلب نیست. زیرا رهبران و شرکت کنندگان اصلی آن عمدتاً به یک گروه مطبوعاتی، انحلال طلب تعلق دارند که از حزب انشعاب کرده و از توده های کارگر روسیه جدا افتاده است.
- ۴- طرفداری اکثریت عظیم کارگران پیشرو از حزب مخفی، کنفرانس اوت را مجبور ساخت تا با اقرار به شناسایی حزب مخفی ظاهراً به اصول حزب تن در دهد. اما در واقع کلیه قطعنامه های این کنفرانس کاملاً آغشته به انحلال طلبی است... از این رو پیشبرد مبارزه ای قاطعانه علیه گروه انحلال طلبان «ناشازاریا» و «لوچ»، و توضیح زیانهای جدی اظهارات آنان به توده های کارگر هنوز به عنوان یک وظیفه در مقابل حزب قرار دارد.
- ۵- تبلیغاتی را که انحلال طلبان در مورد «وحدت» در مطبوعات قانونی به راه انداخته اند، مساله اصلی شرکت و کار در حزب مخفی را در پرده ابهام افکنده و بدین ترتیب کارگران را به گمراهی می کشاند، زیرا این مساله نمی تواند در مطبوعات قانونی حتی مطرح شود. در واقع، انحلال طلبان به عمل تفرقه جویی خود ادامه می دهند...
- ۶- وحدت سوسیال دموکراتهای کلیه نظرات و گرایشها، به شرط اینکه تشکیلات غیر علنی حزب کارگر سوسیال دموکرات روسیه مورد پذیرش قرار گیرد و در آن شرکت شود، ضرورت مطلق

است که منافع جنبش طبقه کارگر آن را حکم می کند...

۷- این نشست مجدانه از چنین وحدتی پشتیبانی می کند و تحقق آن را از پایین در همه جا، در کمیته های کارخانه، گروههای رایون و غیره توصیه می کند. رفقای کارگر باید مراقب باشند که آیا پذیرش تشکیلات غیر علنی و همچنین تمایل به پشتیبانی از مبارزه انقلابی توده ها و تاکتیکهای انقلابی در واقع صورت می پذیرد یا نه. وحدت نهایی حزب و تحکیم کامل آن در سطح سراسری تنها تا آن حد متحقق می شود که این اتحاد از پایین در واقع برقرار شود.

۱۱۹- درباره مبارزه برای بیمه

با توجه به اینکه طبقه کارگر و حزب آن، به رغم همه سختیها، توان شایانی در دفاع از منافع پرولتری در مورد اعمال قوانین بیمه از خود نشان داده اند - این نشست معتقد است که:

۱- باید علیه تلاشهای حکومت و سرمایه داران که با منع نشستهای کارگری، کارگران را به انتخاب کورکورانه نمایندگان خود برای صندوقهای بیماری وادار می کنند، با بیشترین قاطعیت و یکپارچگی مبارزه کرد.

۲- کارگران باید در همه جا بکوشند تا برای معرفی مقدماتی افرادی که می خواهند کاندیدای نمایندگی آنان باشند، نشستهای غیرمجاز برگزار کنند.

۳- کارگران باید با برگزاری نشستهای انقلابی، علیه خشونت و استهزایی که با اجرای قوانین بیمه همراه بوده است، اعتراض کنند.

۴- در هر مورد، ضروری است که از پیش لیستی از کاندیداهای نمایندگی کارگران از بین پرنفوذترین کارگران سوسیال دموکرات تهیه شود، و این لیست را همچنین در جاهایی که نمی توان نشستهای مقدماتی برگزار کرد با کوششهای هماهنگ در پیش نهاد.

۵- این نشست تحریم انتخابات نمایندگان را غیر مقتضی و زیان آور می داند. در حال حاضر سرمایه داران عمدتاً تلاش می کنند تا کارگران را از به دست گرفتن کنترل بعضی واحدهای پرولتری کارخانه ها - واحدهایی که صندوقهای بیماری کارگران باید بدانها تبدیل شوند - باز دارند. تحریم انتخابات در حال حاضر با ایجاد انفکاک در بین کارگران تنها به نفع تلاشهای سرمایه داران تمام خواهد شد.

۶- در مبارزه برای انتخاب صحیح نمایندگان به صندوقهای بیماری نباید حتی برای لحظه ای وقفه ایجاد شود. در حالیکه با کلیه منابع مادی و انسانی از هر فرصت مناسب استفاده می شود، و به کارفرمایان اجازه داده نمی شود که حتی برای لحظه ای تصور کنند که جریان عادی تولید ادامه خواهد یافت، و در حالیکه مبارزه کارگران رشد و گسترش داده می شود - در عین حال،

فعالیت برای پشتیبانی از فهرست سوسیال دموکراتها باید، به رغم کلیه موانع، ادامه یابد. انتخابات مبارزه را از رشد بیشتر باز نمی دارد. برعکس، ما با انتخاب کارگران سوسیال دموکرات ثابت قدم برای نمایندگی، مبارزه آتی برای انتخابات صحیح را آسان خواهیم کرد - مبارزه ای که طی آن نمایندگان تا حد امکان از کارگران پشتیبانی خواهند کرد.

۷- در تمام جاهایی که انتخابات بدون نشستهای (مقدماتی کارگری) برگزار می شود، ضروری است که با استفاده از کلیه امکانات در دسترس کارگران برای انتخاب مجدد نمایندگان بر اساس نشستهای کارگری و انتخابات واقعاً آزاد تبلیغ شود.

۸- فراکسیون سوسیال دموکرات در دوما باید در مورد منع نشستهای انتخاباتی کارگران بیدرنگ دولت را استیضاح کند.

۹- کلیه تبلیغات درباره اجرای (قوانین) بیمه باید بطور تنگاتنگی با تشریح وضعیت کلی در روسیه تزاری ارتباط داده شود، ضمن اینکه اصول سوسیالیستی و خواستهای انقلابی ما نیز باید توضیح داده شوند.

نشست کمیته مرکزی در پورونین

۲۳ سپتامبر - ۱ اکتبر ۱۹۱۳

نشست پورونین که به دلایل پنهانکاری به نشست «تابستان» یا «اوت» معروف بوده است، از تاریخ ۲۳ سپتامبر تا ۱ اکتبر ۱۹۱۳ در روستای پورونین (نزدیک کراکو در لهستان) برگزار شد. مجموعاً ۲۲ نفر از بلشویکها در آن حضور داشتند: ۴ عضو کمیته مرکزی، ۵ نماینده بلشویک در دوما، ۴ نفر از سوسیال دموکراتهای لهستان و کروپسکایا بعنوان منشی کمیته مرکزی. بعدها معلوم شد که ۲ تن از شرکت کنندگان در این نشست یعنی مالینوفسکی و لوبف از عوامل پلیس مخفی تزاری بودند.

رهبری نشست پورونین را لنین شخصاً در دست داشت. نشست با نطق لنین کار خود را آغاز کرد و سپس درباره مسایل گوناگون از جمله جنبش اعتصابی، ﴿...﴾

۱۲۱- درباره جنبش اعتصابی

...

۴- نشست معتقد است که جنبش به نقطه ای رسیده که سازماندهی یک اعتصاب عمومی سیاسی را باید مورد توجه قرار داد. تبلیغ سیستماتیک برای تدارک این اعتصاب باید بلافاصله در همه جا آغاز شود.

۵- شعارهای این اعتصاب سیاسی که باید وسیعاً پخش شود، باید خواستهای انقلابی اساسی جنبش باشد: یعنی جمهوری دموکراتیک، هشت ساعت کار روزانه، مصادره زمینهای بزرگ.

۶- این نشست از کلیه فعالین حزبی محلی می خواهد که تبلیغات کتبی را گسترش داده و بین سازمانهای کارگری سیاسی و غیره در شهرهای مختلف نزدیک ترین و صحیح ترین روابط ممکن را برقرار سازند. باید در درجه اول توجه خاصی به حصول توافق بین کارگران مسکو و سن پترزبورگ مبذول شود، تا اینکه اعتصابات سیاسی - که ممکن است به دلایل مختلفی (از جمله توقیف مطبوعات کارگری، اعتصابات برای بیمه و غیره) شروع شود - تا حد امکان بطور همزمان در دو پایتخت رخ دهد.

۱۲۵- درباره مساله ملی

ناسیونالیسم افراطی محافل باندهای سیاه، رشد گرایشهای ناسیونالیستی در بین بورژوازی لیبرال و تشدید گرایشهای ناسیونالیستی در بین لایه های بالای ملیتهای تحت ستم، به مساله ملی در لحظه کنونی اهمیت خاصی بخشیده است.

وضعیت درون سوسیال دموکراسی (یعنی کوششهای سوسیال دموکراتهای قفقاز، بوند و انحلال طلبان برای لغو برنامه حزب) حزب را وادار می سازد که توجه هر چه بیشتری به این مساله مبذول دارد.

نشست با رهنمود گرفتن از برنامه حزب کارگر سوسیال دموکرات روسیه و همچنین به خاطر پیش برد صحیح تبلیغ سوسیال دموکراتیک پیرامون مساله ملی، پیشنهادات زیر را مطرح میسازد:

۱- تا آنجا که صلح بین ملیتها در چارچوب جامعه سرمایه داری مبتنی بر استثمار، سود و کشاکش امکان پذیر باشد، تنها از طریق یک حکومت جمهوری مبتنی بر دموکراسی جامع و پیگیر قابل حصول است. حکومتی که برابری کامل کلیه ملیتها و زبانها را به طرق زیر تضمین می کند: عدم وجود یک زبان رسمی اجباری، ایجاد مدارس که به همه زبانهای محلی تدریس کنند، و گنجاندن یک ماده بنیادی در قانون اساسی که هرگونه امتیازات ویژه برای یک ملت و همچنین نقض حقوق اقلیتهای ملی را ممنوع کند. خودمختاری محلی وسیع و حکومت های خودگردان محلی کاملاً دموکراتیک، به ویژه ضروری است. مرزهای نواحی خودگردان و خودمختار توسط جمعیت محل و بر اساس شرایط اقتصادی، شرایط زندگی، ترکیب ملی جمعیت و غیره تعیین میشود.

۲- تقسیم نظام آموزشی بر اساس ملیتها در چارچوب دولتی واحد، از دیدگاه دموکراسی بطور اعم و مبارزه طبقاتی پرولتری بطور اخص بدون هیچ تردیدی مضر است. دقیقاً چنین تقسیم نظام آموزشی جوهر برنامه به اصطلاح خودمختاری «ملی - فرهنگی» و «ایجاد نهادهای تضمین کننده رشد آزاد ملی» است که در روسیه توسط کلیه احزاب بورژوازی یهود و عناصر خرده بورژوازی اپورتونیست ملیتهای مختلف اتخاذ شده است.

۳- منافع طبقه کارگر ایجاب می کند که کارگران کلیه ملیتهای ساکن در کشور معینی در سازمانهای پرولتری متحد - سیاسی، صنفی، تعاونی، آموزشی و غیره - جمع شوند. تنها چنین جمع شدن کارگران ملیتهای مختلف در سازمانهای واحد، پرولتاریا را قادر می سازد که مبارزه پیروزمندی را علیه سرمایه بین المللی و ارتجاع و همچنین علیه خواستها و تمایلات زمینداران، کشیشها و ناسیونالیستهای بورژوازی کلیه ملتها، که معمولاً هدفها و طرحهای ضد پرولتری خود را تحت شعار «فرهنگ ملی» عملی می سازند، به پیش برد. جنبش کارگری جهانی هم اکنون در حال ایجاد یک فرهنگ پرولتری بین المللی بوده و هر روزه آنرا گسترش بیشتری می دهد.

۴- در مورد حق تعیین سرنوشت برای ملیتهایی که تحت ستم سلطنت تزاری قرار دارند، به عبارت دیگر حق جدایی و تشکیل دولتهای مستقل، حزب سوسیال دموکرات باید بدون هیچ قید و شرطی از این حق دفاع کند. اصول بنیادی دموکراسی بین المللی بطور اعم و ستم ملی بی سابقه بر اکثریت جمعیت روسیه توسط سلطنت تزاری بطور اخص - که در مقایسه با دولتهای اروپایی و آسیایی همسایه ارتجاعی ترین و وحشی ترین است - دفاع از این حق را ضروری می سازد. به علاوه دفاع از حق تعیین سرنوشت برای آزادی خود جمعیت روسیه بزرگ نیز لازم است، زیرا اهالی روسیه بزرگ نیز بدون نابودی ناسیونالیسم روسیه بزرگ باندهای سیاه قادر نخواهند بود دولت دموکراتیکی ایجاد کنند، ناسیونالیسم ارتجاعی که با سنت سرکوب خونین جنبشهای ملی تقویت شده و نه فقط توسط سلطنت تزاری و تمام احزاب ارتجاعی بلکه همچنین توسط بورژوازی لیبرال روسیه بزرگ - که در مقابل سلطنت، به ویژه در دوران تسلط ضد انقلاب کرنش می کند - بطور سیستماتیک تحکیم می شود.

۵- مساله حق ملیتها برای تعیین سرنوشت (به عبارت دیگر، تضمین قانون اساسی در مورد شیوه کاملاً آزاد و دموکراتیک حل مساله جدایی) نباید با مساله مقتضی بودن جدایی توسط هر یک از ملیتها اشتباه شود. حزب سوسیال دموکرات باید در مورد مساله مقتضی بودن جدایی در هر مورد مشخصی بطور مستقل و از دیدگاه منافع توسعه اجتماعی و مبارزه طبقاتی پرولتری برای سوسیالیسم، تصمیم بگیرد.

سوسیال دموکراتها همچنین باید بخاطر داشته باشند که زمینداران، کشیشها و بورژوازی ملیتهای تحت ستم برای پوشاندن تلاشهای خود جهت متفرق ساختن و تحمیق کارگران پیوسته از شعارهای ناسیونالیستی استفاده می کنند، و با زمینداران و بورژوازی ملت حاکم علیه منافع توده های زحمتکش هم ملیتها دست به معامله می زنند...

۲۸ فوریه - ۲۲ مارس ۱۹۱۷

واژگونی تزاریسم و پیروزی انقلاب بورژوا دموکراتیک فوریه ۱۹۱۷، به ایجاد شورای نمایندگان کارگران و سربازان یعنی ارگان دیکتاتوری دموکراتیک انقلابی کارگران و دهقانان از یک سو، و حکومت موقت یعنی ارگان دیکتاتوری بورژوازی از سوی دیگر منجر شد. بدین ترتیب قدرت دوگانه ای در روسیه پدید آمد. مساله برخورد حزب طبقه کارگر به حکومت موقت سرنوشت انقلاب روسیه را تعیین می کرد. منشویکها و اس ارها انقلاب روسیه را تمام شده ارزیابی کرده و معتقد به پشتیبانی از حکومت موقت و شرکت در آن بودند. در چنین وضعیتی موضع گیریهای رهبری داخل روسیه بلشویکها نسبت به حکومت موقت و کلاً مسایل اساسی انقلاب روسیه در این مرحله اهمیت حیاتی داشت.

با توجه به اینکه اغلب رهبران اصلی بلشویکها از جمله لنین یا در خارج به سر برده و یا در تبعید بودند، رهبری بلشویکها در این موقع به عهده «دفتر روسیه کمیته مرکزی» قرار داشت که شلیاپنیکف (Shliapnikov)، مولوتف (Molotov) و زالوتسکی (Zalutsky) عضو آن بودند. موضع گیریهای این دفتر همیشه از پیگیری لازم برخوردار نبود و اصولاً تا بازگشت لنین به روسیه در ۳ آوریل ۱۹۱۷ رهبری بلشویکها در داخل روسیه از قاطعیت انقلابی برخوردار نبود.

اسنادی که در این بخش ترجمه شده اند، منتخبی از موضع گیریهای دفتر روسیه کمیته مرکزی در فاصله ۲۸ فوریه تا ۲۲ مارس ۱۹۱۷ است و اغلب در روزنامه پراودای همان زمان چاپ شدند. مطالعه ﴿...﴾

در تاریخ هفتم و هشتم مارس تعدادی اعضای جدید به دفتر اضافه شدند و این امر باعث میشود که موضع گیری آن در مورد حکومت موقت تغییر کند (سند ۱۳۶). ولی ﴿...﴾

۱۳۵ - ((درباره برخورد به شوراها))

۸ مارس ۱۹۱۷

در مورد مساله برخورد به شوراهای نمایندگان کارگران و سربازان اشاره شد که بخاطر قدرت فعلی شوراها لازم است که از آنها به مثابه نهادی که می تواند و می باید حکومت انقلابی موقت را ایجاد کند، حمایت کرد. همچنین اشاره شد که کمیته اجرایی ((شورای پتروگراد)) بسیار اپورتونیست تر از خود شورا است، و از این جهت بهتر است که دوباره انتخاب شده و گسترش یابد. اعضای کمیته اجرایی شورا آنچه را که در این مورد انجام شده گزارش داده اند؛ ولی چون این مساله هنوز به وسیله کمیته اجرایی و یا شورا حل نشده است، پیشنهاد می شود که رفقای بلشویک سوسیال دموکرات از هر کوششی برای اعمال فشارهای لازم بر شورا در این جهت فرو گذار

نکنند ((در ۹ مارس کمیته اجرایی به این مناسبت سوسیال رولوسیونرها، منشویکها و بلشویکها را مجاز ساخت که هر یک سه نماینده اضافی انتخاب کنند)).

۱۳۶- ((درباره روابط بین شورای نمایندگان

کارگران و سربازان و حکومت موقت))

۹ مارس ۱۹۱۷

قطعنامه پیشنهادی کمیته اجرایی ((در ۸ مارس، و در مورد برقراری پیوند رسمی با حکومت موقت و تشکیل یک هیات نظارت ویژه و یا کمیسیون ارتباطی که برای برخی اصلاحات اعمال فشار کند و عمدتاً بر اعمال حکومت بورژوازی ناظر باشد)) خوانده شد. این قطعنامه چون روابط متقابل رسمی معینی ((بین شورا و حکومت موقت)) ایجاد می کند، کاملاً مردود است. در بحث مشهود بود که تمامی اعضای دفتر، حمایت از حکومت موقت را ناممکن می دیدند. ولی مخالفت جدی با آن نیز مناسب به نظر نمی آید، چون در دست گرفتن مسئولیت حاکمیت هم غیر ممکن است.

به علاوه اشاره شد که از نظر ما نیروها به دو گروه تقسیم می شوند. نیروهای پیش برنده انقلاب و نیروهای بازدارنده آن. شورای نمایندگان کارگران و سربازان در گروه اول، و حکومت موقت در گروه دوم قرار دارد. چون داشتن موقعیتی برای اعمال فشار مداوم بر حکومت لازم است، ضوابط و یا روابط رسمی نباید برقرار شود... (۲) هدف ما تبدیل شورای نمایندگان کارگران و سربازان به شورای سراسری نمایندگان کارگران و سربازان ((روسیه)) است. (۳) ضروری است که برای حکومت انقلابی موقت ((یعنی دیکتاتوری پرولتاریا و دهقانان)) مبارزه شود.

۱۴۲- درباره عضویت حزب

۱۸ مارس ۱۹۱۷

کسانی به عضویت پذیرفته می شوند که برنامه حزب را به رسمیت شناخته و وارد در یکی از سازمانهای ((حزبی)) شوند. پذیرش بر مبنای توصیه دو تن از اعضای حزب صورت می گیرد. کارت عضویت استاندارد از طرف کمیته مرکزی تهیه و بین سازمانهای محلی توزیع می شود تا پس از زدن مهر بین اعضا توزیع کنند. اساسنامه حزب باید به کارت منضم شد.

کنفرانس سراسری هفتم

کنفرانس آوریل

۲۹-۲۴ آوریل ۱۹۱۷

کنفرانس هفتم یا کنفرانس آوریل حزب بلشویک از ۲۴ تا ۲۹ آوریل ۱۹۱۷ در پتروگراد برگزار

شد و ۱۳۳ نفر با حق رأی و ۱۸ نفر با نظر مشورتی به نمایندگی از هشتاد هزار عضو حزب در آن حضور داشتند. کنفرانس مسایل زیر را مورد بررسی قرار داد: وضعیت جاری (حکومت موقت و جنگ)، شوراها، تجدید نظر در برنامه حزب، مساله ارضی، وضع انترناسیونال، مساله ملی و غیره. برگزاری کنفرانس هفتم و مصوبات انقلابی آن پیروزی بزرگی برای لنینیسم محسوب می شود. لنین در این کنفرانس موفق شد تا تزه‌های آوریل خود را به حزب بقبولاند. اغلب قطعنامه های این کنفرانس را لنین نوشت و گزارشهایی درباره وضعیت جاری، مساله ارضی و تجدید نظر در برنامه حزب به کنفرانس ارائه داد. لنین ﴿...﴾

۱۵۴- درباره روش برخورد به حکومت موقت

۲۷ آوریل ۱۹۱۷

کنفرانس سراسری حزب کارگر سوسیال دموکرات روسیه معتقد است که:

- ۱- حکومت موقت بنا بر خصلت ((طبقاتی)) اش ابزار حاکمیت اشرافیت زمیندار و بورژوازی است؛
- ۲- حکومت موقت و طبقاتی که این حکومت نماینده آنها است، چه از نظر اقتصادی و چه سیاسی، به نحوی تفکیک ناپذیر وابسته به امپریالیسم روسیه و انگلیس - فرانسه است؛
- ۳- حکومت موقت فقط قسمتی از برنامه اعلام شده خود را، و آن هم تنها تحت فشار پرولتاریای انقلابی و بخشی از خرده بورژوازی انجام داده است؛
- ۴- نیروهای ضد انقلابی بورژوازی و اشرافیت زمیندار که در فرایند سازمان یافتن هستند و با همکاری مشهود حکومت موقت، خود را تحت لوای آن پنهان ساخته اند، هم اکنون حمله به دموکراسی انقلابی را تدارک دیده اند: از این رو است که حکومت موقت فراخوان انتخابات مجلس مؤسسان را به تعویق می اندازد، جلوی تسلیح عمومی مردم را می گیرد، با انتقال همه زمینها به دست مردم مخالفت می کند و شیوه مالکان را برای حل مساله ارضی به کار می گیرد، مانع اعمال ۸ ساعت کار در روز می شود، بر تبلیغ ضد انقلابی در ارتش (به وسیله گوچکف Guchkov ((وزیر جنگ)) و شرکا) چشم می بندد، افسران ارشد را علیه سربازان دوباره بسیج میکند، و غیره؛
- ۵- حکومت موقت در حالی که حافظ منافع سرمایه داران و زمینداران است، از کوچک ترین اقدام انقلابی اقتصادی (در مورد عرضه مواد غذایی و غیره) که با توجه به فاجعه قریب الوقوع اقتصادی مطلقاً و فوراً مورد نیاز است، عاجز است؛
- ۶- در عین حال این حکومت در حال حاضر متکی بر اعتماد، و در توافق مستقیم با شورای نمایندگان کارگران و سربازان پتروگراد است، که هنوز برای اکثریت کارگران و سربازان (یعنی دهقانان)، سازمانی است پیشرو؛

۷- هر قدمی که حکومت موقت چه در امور خارجی و چه داخلی بر می دارد، چشمهای پرولتاریای شهری و روستایی و نیمه پرولتاریا را بازتر کرده، لایه های مختلف خرده بورژوازی را وادار می کند که موضع سیاسی خاصی را بپذیرند.

با توجه به مراتب مذکور، کنفرانس مقرر می دارد که:

۱- فعالیت وسیعی جهت گسترش آگاهی طبقاتی پرولتاریا و اتحاد پرولتاریای شهری و روستایی علیه تردیدهای خرده بورژوازی باید صورت گیرد؛ چرا که تنها این نوع از فعالیت تفویض کامل قدرت دولتی را به شوراهای نمایندگان کارگران و سربازان و یا سایر نهادهایی که بیانگر مستقیم خواسته های اکثریت مردم هستند (مثل ارگانهای محلی خودگردان، مجلس مؤسسان، و غیره) تضمین خواهد کرد.

۲- لازمه چنین کاری فعالیت همه جانبه درون شوراهای نمایندگان کارگران و سربازان، افزایش تعداد آنها، تحکیم قدرت آنها، و یکپارچه کردن گروه های انترناسیونالیست حزب ما درون آنها است.

۳- برای تحکیم فوری دستاوردهای انقلاب، و گسترش آنها در سطح محلی ضروری است که ما با اتکا بر اکثریت قاطع مردم محل، به هر شکلی اعمال مستقل مردم را که به قصد تحقق آزادی، برکناری مقامات ضد انقلابی، اجرای اقدامات اقتصادی چون نظارت بر تولید و توزیع، و غیره صورت می گیرد، گسترش و سازمان داد و تقویت کرد.

۴- بحران سیاسی ۱۹ تا ۲۱ آوریل که به خاطر یادداشت حکومت موقت پدید آمد، نشان داده است که حزب حکومتی کادتها، که در واقع امر به سازماندهی عناصر ضد انقلاب چه در ارتش و چه در کوچه و خیابان مشغول است، اکنون سعی در کشتن کارگران دارد. به سبب وضعیت ناپایداری که ناشی از قدرت دوگانه است، چنین کوششهایی به اجبار باز هم تکرار خواهد شد. لذا حزب پرولتاریا موظف است که با تمام نیرو به مردم تفهیم کند که پرولتاریا باید سازمان یابد، مسلح و کاملاً متفق با ارتش انقلابی باشد، و سیاست اعتماد به حکومت موقت باید خاتمه یابد تا از خطر قریب الوقوع کشتار جمعی پرولتاریا، آنچنان که در پاریس در طی روزهای ژوئن ۱۸۴۸ واقع شد، جلوگیری شود.

۱۵۶- درباره شوراهای نمایندگان کارگران و سربازان

۲۹ آوریل ۱۹۱۷

پس از بحث درباره گزارشها و مکاتبه های رفقای که در شوراهای نمایندگان کارگران و سربازان در نقاط مختلف روسیه فعالیت می کنند، کنفرانس اعلام می دارد که:

در بسیاری از نقاط کشور انقلاب از طریق تشکیل مستقل شوراها توسط پرولتاریا و دهقانان، اخراج خودانگیخته مقامات قبلی، ایجاد میلیشیای دهقانی، انتقال همه زمینها به دهقانان، ایجاد

کنترل کارگری در کارخانه ها، اعمال ۸ ساعت کار در روز، افزایش دستمزدها، ابقای جریان یکنواخت تولید، ایجاد نظارت کارگری بر توزیع غذا، و غیره به جلو می رود.

رشد انقلاب در همه نقاط کشور چه در عمق و چه در سطح، از یک سو به معنای رشد جنبش تفویض همه قدرت به شوراها و کنترل تولید به وسیله خود کارگران و دهقانان است. و از سوی دیگر در خدمت تضمین پایه ریزی نیروهایی برای مرحله دوم انقلاب، در مقیاس سراسر روسیه است، که باید همه قدرت دولتی را به شوراها و یا دیگر نهادهای بیانگر مستقیم خواسته‌های اکثریت مردم (مثل ارگانهای محلی خودگردان، مجلس مؤسسان، و غیره)، انتقال دهد.

در پایتخت ها و در بعضی از شهرهای بزرگ، وظیفه تفویض قدرت دولتی به شوراها خصوصاً مشکل تر بوده و محتاج تدارک طولانی ویژه ای برای نیروهای پرولتری است. و این در جایی است که وسیع ترین نیروهای بورژوازی متمرکز شده است. و در همین جا است که سیاستهای سازشکارانه با بورژوازی زنده تر به چشم می آید، سیاستهایی که غالباً مانع ابتکار انقلابی توده ها است و استقلال آنان را تضعیف می کند، سیاستهایی که خصوصاً برای اهمیت این شوراها به مثابه نهادهای رهبری در همه نقاط کشور خطرناک است.

از این رو حزب پرولتاریا موظف است که، از یک سو حمایت همه جانبه خود را از گسترش انقلاب در شکل فوق ابراز کند، و از سوی دیگر درون شوراها (از طریق ترویج و انتخاب مجدد نمایندگان) منظمماً برای پیروزی خط پرولتری مبارزه کند. حزب باید که تمامی مساعی و توجه خود را به توده کارگران و سربازان، تفکیک خط پرولتری از خط خرده بورژوایی، خط انترناسیونالیستی از خط دفاع طلبی، خط انقلابی از خط اپورتونیستی، و سازماندهی و تسلیح کارگران و تدارک نیروهای آنان برای مرحله بعدی انقلاب، معطوف کند.

کنفرانس بار دیگر اعلام می کند که آنچه ضروری است، فعالیت همه جانبه درون شوراها، نمایندگان کارگران و سربازان، افزایش تعداد آنها، تحکیم قدرت آنها، و یکپارچه کردن گروههای انترناسیونالیستی پرولتری حزب ما درون آنها است.

۱۵۸- در باره مساله ملیتها

۲۹ آوریل ۱۹۱۷

سیاست ستم ملی، این میراث سلطنت و استبداد، توسط زمینداران، سرمایه داران و خرده بورژوازی نیز به منظور حفظ امتیازات طبقاتی و پراکنده ساختن کارگران ملیتهای مختلف، ابقا شده است. امپریالیسم معاصر با تشدید فشار برای انقیاد ملل ضعیف تر، عامل جدیدی است در تشدید ستم ملی.

از بین بردن این ستم ملی تا حدی که جامعه سرمایه داری اجازه می دهد تنها از طریق یک نظام جمهوری با دستگاه اداری کاملاً دموکراتیک که تساوی کامل همه ملیتها و زبانها را تضمین

کند، ممکن است.

برای هر ملیتی که بخشی از روسیه را تشکیل می دهد باید داشتن حق جدایی آزادانه و تشکیل دولتی مستقل را به رسمیت شناخت. انکار چنین حقی و یا قصور در اقدام برای تضمین اجرای آن، در عمل معادل است با ابقای سیاست کشور گشایی یا الحاق طلبی. تنها شناسایی حق ملل تا حد جدایی از طرف پرولتاریا، همبستگی کامل کارگران ملیتهای مختلف را تضمین می کند و روابط دوستانه واقعاً دموکراتیک بین این ملیتها را گسترش می دهد.

برخوردی که اخیراً بین فنلاند و حکومت موقت روسیه پیش آمده است ((دیت Diet فنلاند تقاضای خودمختاری کامل کرد و حکومت روسیه آن را تا تشکیل مجلس مؤسسان به تعویق انداخت))، به طور مجسم نشان می دهد که انکار حق جدایی آزادانه، به ادامه مستقیم سیاست تزاریسم منجر می شود.

مساله حق ملیتها برای جدایی آزادانه نباید با این مساله که جدایی به صلاح این یا آن ملیت است یا نه، اشتباه شود. حزب پرولتاریا باید در هر مورد خاص با توجه به نیاز کلی توسعه اجتماعی و مبارزه طبقاتی پرولتاریا برای سوسیالیسم، به طور کاملاً مستقل تصمیم گیرد. حزب خواستار خودمختاری وسیع ناحیه ای، حذف نظارت از بالا، لغو زبان رسمی اجباری، و تعیین مرزهای نواحی خودگردان و خودمختار توسط خود مردم محلی بر مبنای شرایط اقتصادی، شرایط زیستی، ترکیب ملی جمعیت و غیره است.

حزب پرولتاریا خودمختاری به اصطلاح «ملی - فرهنگی» یعنی احاله امور آموزشی و غیره از نظارت دولت به نوعی مجلس ملی، را با قاطعیت رد می کند. خودمختاری ملی - فرهنگی کارگرانی را که در یک منطقه زندگی می کنند و حتی در یک کارخانه کار می کنند، بنا بر اختلاف «فرهنگی ملی» شان مجازاً تفکیک می کند؛ یعنی بستگی بین کارگران و فرهنگ بورژوایی ملیتی خاص را تقویت می کند، در حالی که هدف سوسیال دموکراسی تقویت فرهنگ بین المللی پرولتاریای جهان است.

حزب خواستار گنجاندن ماده ای بنیادی در قانون اساسی است که مانع هرگونه امتیاز خاص برای یک ملیت و هرگونه تعهدی به حقوق اقلیتهای ملی باشد.

منافع طبقه کارگر ادغام کارگران تمامی ملیت های روسیه را در سازمانهای پرولتری یکپارچه - چون سازمانهای سیاسی، اتحادیه های کارگری، تعاونیهای آموزشی، و غیره - طلب می کند. تنها اینگونه ادغام کارگران ملیت های مختلف در سازمانهای واحد، پرولتاریا را قادر می سازد تا به مبارزه ای موفق علیه سرمایه بین المللی و ناسیونالیسم بورژوایی، دست زند.

۱۲-۷ مه ۱۹۱۷

منشویکها نیز برای مشخص کردن مواضع خود درباره مسایل انقلاب روسیه و بویژه مساله روش برخورد به حکومت موقت و مساله جنگ از ۷ تا ۱۲ مه ۱۹۱۷ کنفرانسی در شهر پتروگراد برگزار کردند. در تضاد کامل با مصوبات انقلابی کنفرانس بلشویکی هفتم (آوریل)، کنفرانس منشویکی در کلیه مسایل اساسی انقلاب روسیه تصمیمات رفرمیستی و اپورتونیستی اتخاذ کرد و عملاً به جبهه ضد انقلاب پیوست. مهمترین مساله ای که کنفرانس در دستور کار خود داشت، ورود دو نفر از رهبران منشویکها به اولین کابینه ائتلافی در ۵ مه ۱۹۱۷ بود. پس از ﴿...﴾

۱۶۲- درباره روش برخورد به شوراهای نمایندگان

کارگران و سربازان

۱۰ یا ۱۱ مه ۱۹۱۷

۱- دوران انقلابی حاضر، دوران مبارزه انقلاب برای تفوق و تحکیم دست آوردهایش، وظیفه ای دوگانه برای سوسیال دموکراسی در بر دارد: از سویی به منظور پیشبرد انقلاب، سوسیال دموکراسی باید با فعالیت مناسب درون شوراهای نمایندگان کارگران و سربازان در یک بلوک فشرده با احزاب نیمه سوسیالیست و حتی احزابی که به طور سطحی سوسیالیست اند (سوسیالیستهای خلقی و ترودوویکها)، توده های غیر سوسیالیست را تحت عنوان دست آوردهای صرفاً دموکراتیک با خود همراه کند؛ از سوی دیگر نمی تواند و نباید فراموش کند که حزب طبقه پرولتاریا است و به این خاطر باید سیاست طبقاتی خود را به اجرا گذارد و حداکثر استقلال طبقاتی خود را در این دوران انقلابی تضمین کند.

۲- شوراها به عنوان ارگان خودگردان بخش وسیعی از دموکراسی که از نظر سیاسی معین نیستند - و در مبارزه با آن بخشهای خارج از شوراها و احزاب سیاسی نماینده آنها - به ایفای نقش نوعی حزب دموکراسی انقلابی گرایش نشان می دهند یعنی خودشان را جایگزین تک تک احزاب سیاسی می سازند که واقعاً شوراها را تشکیل می دهند.

۳- به خاطر رشد سیاسی آتی روسیه و به منظور وضوح و صراحت در مبارزه طبقاتی، و همچنین به خاطر دفاع از موضع مستقل طبقاتی اش، سوسیال دموکراسی باید با این گرایش مبارزه کرده، از این عمل سیاسی شوراها که خود را بجای حزب قرار می دهند، جلوگیری کند.

۴- به ویژه در طی انتخابات، چه برای ارگانهای خودگردان، و چه، خصوصاً، برای مجلس مؤسسان، سوسیال دموکراسی نباید به هیچ نحوی خود را در بلوک چپ وابسته به شوراها حل کند، بلکه باید در هر جا که خطر ضدانقلاب وجود ندارد موضع مستقل بگیرد، و حتی آنجا که وجود

چنین خطری وادارش می کند که هماهنگ با بلوک چپ در مبارزات انتخاباتی عمل کند، سوسیال دموکراسی خط خاص طبقاتی خود را در کنار خط مشترک آن بلوک به پیش خواهد برد.

۵- اعمال این خط مستقل سیاسی در خارج از شوراهای باید با فعالیتهای مشابه درون شوراهای مطابقت کند. در فعالیت درون شوراهای، سوسیال دموکراسی باید به شکل فراکسیونی مستقل سازمان داده شود و باید که در همه فعالیتهای خود تابع نظارت و هدایت حزب سوسیال دموکرات باشد. سازمان مستقل و فعالیت مستقل باشد.

۱۶۳- درباره سیاست کارگری

۱۰ یا ۱۱ مه ۱۹۱۷

... کنفرانس در زمینه سیاستهای کارگری معتقد به وظایف عاجل زیر است:

الف - تهیه طرح دقیقی برای قانون کاری جامع در ارتباط نزدیک با سازمانهای کارگری، تا به وسیله مجلس مؤسسان اجرا شود؛

ب - اعلام فوری فرمانی در باره آزادی اجتماعات که اساس مبارزه آزادی طبقاتی پرولتاریا است؛

ج - اعلام فوری فرمانی دایر بر هشت ساعت کار در روز، با اجازه اضافه کاری در طی جنگ با توافق سازمانهای کارگری؛ تشکیل نهادهایی برای تعیین حداقل مزد برای کم درآمدترین و عقب مانده ترین لایه های کارگران؛ تجدید سازمان اساسی سیستم بازرسی کارخانه به صورت بازرسی کارگری با مشارکت نمایندگان منتخب کارگران با هزینه دولت؛ حذف معایب مهم قانون بیمه کارگران، تا زمانی که قانونی کلی در باره همه جنبه های بیمه اجتماعی، به ویژه در مورد بیمه معلولین و بیمه بیکاری، تهیه شود؛

د - اقدام فوری برای مبارزه با بیکاری؛

ه - اعلام فرمانی برای ایجاد نهادهایی اجتماعی - سیاسی (مانند دفاتر کاریابی، دادگاههای کار، هیاتهای حل اختلاف)؛

و - تهیه فوری طرحی برای اقدام لازم در مورد عدم تحرک ارتش و صنعت، در جهت جلوگیری و یا تخفیف بیکاری عمومی قریب الوقوع و بدتر شدن شرایط کار که ممکن است به خاطر تشدید تزلزل اقتصادی در طی بازگرداندن صنعت به وضع عادی روی دهد...

کمیته مرکزی درباره

کنترل کارگری در صنایع

۲۴ مه ۱۹۱۷

سند زیر یکی از نوشته های مهم لنین برای تعیین سیاست اقتصادی حزب بلشویک است که

برای ارائه در کنفرانس اول کمیته های کارگاهها که قرار بود در ۳۰ مه ۱۹۱۷ در پتروگراد تشکیل شود، تهیه شده بود. لنین در این نوشته ضرورت شعار اقتصادی اصلی حزب در این دوره یعنی کنترل کارگری در صنایع و غیره و چگونگی اعمال آن را توضیح می دهد. لازم به یادآوری است که قبلاً کنفرانس آوریل بلشویکها در یکی از قطعنامه ها به طور گذرا به سیاست «نظارت بر تولید و توزیع» اشاره کرده بود (رجوع شود به سند ۱۵۴، بند ۷، شماره ۳). منشویکها نیز در کنفرانس مه ۱۹۱۷، سیاست اقتصادی رفرمیستی خود را مشخص کرده بودند (رجوع شود به سند ۱۶۳).

۱۶۶- درباره اقداماتی برای مقابله با اختلال اقتصادی

۱- از هم گسیختگی کامل زندگی اقتصادی روسیه هم اکنون به نقطه ای رسیده است که فاجعه گریز ناپذیر می باشد، چنان فاجعه ای که ابعاد وحشتناکش به تعطیل شماری از صنایع اساسی منتهی خواهد شد، کشاورزان را از کشت در مقیاس ضروری محروم خواهد کرد و در حرکت قطارها اختلال ایجاد کرده و در نتیجه رساندن غلات به نقاط صنعتی و شهرها را متوقف و بر میلیونها تن از مردم تأثیر می گذارد. به علاوه، این سقوط هم اکنون آغاز و بر صنایع مختلفی تأثیر گذارده است. تنها از طریق عظیم ترین کوشش نیروهای مردم و اتخاذ شماری از اقدامات انقلابی، چه در سطح محلی و چه از طریق دولت مرکزی، می توان بطور مؤثر با آن مقابله کرد.

۲- نه از طریق روشهای بوروکراتیک، یعنی ایجاد نهادهایی که سرمایه داران و مأمورین دولتی در آن مسلط هستند، و نه با حفظ منافع سرمایه داران، سلطه برترشان در صنعت، تسلط شان بر سرمایه مالی و حفظ اسرار بازرگانی شان در مورد معاملات بانکی، تجاری و صنعتی می توان از فاجعه جلوگیری کرد. این به دفعات به وسیله اثرات جزئی بحران چنانچه در بعضی از صنایع آشکار شده به اثبات رسیده است.

۳- تنها راه فرار از یک فاجعه ((اقتصادی)) برقراری کنترل واقعی کارگری بر تولید و توزیع کالاها است برای چنین کنترلی لازم است که در وهله نخست، کارگران اکثریتی معادل حداقل سه چهارم تمامی آرا را در همه نهادهای کلیدی حایز باشند. و آن دسته از صاحبان کارخانه ها که فرار نکرده اند و کارمندان فنی و علمی مجبور به همکاری شوند؛ ثانیاً، کمیته های کارخانه و کارگاههای آن، شوراهای مرکزی و محلی نمایندگان کارگران و سربازان و اتحادیه های کارگری باید حق شرکت در این کنترل را داشته و همه دفاتر تجاری و حسابداری و نیز سایر اطلاعات موجود را در دسترس داشته باشند؛ ثالثاً، چنین حقی به نمایندگان همه احزاب عمده دموکراتیک و سوسیالیست هم داده شود.

۴- کنترل کارگری، که هم اکنون در چند مورد درگیری از طرف سرمایه داران هم به رسمیت

شناخته شده است، بلافاصله باید - از طریق یک سلسله اقدامات کاملاً مطالعه شده که به تدریج ولی بدون درنگ اعمال خواهد شد - توسط کارگران به اداره کامل تولید و توزیع کالاها، توسعه یابد.

۵- کنترل کارگری همچنین باید همین مبنا بر تمامی عملیات مالی و بانکی و به منظور توضیح وضعیت مالی، با مشارکت شوراها و کنگره های کارمندان بانکها و اتحادیه شرکتها و سایر کارمندانی که بی درنگ سازمان داده خواهند شد، تعمیم داده شود.

۶- برای نجات کشور از فاجعه ((اقتصادی)) پیش از هر چیز لازم است که در عمل، و نه با حرف، به کارگران و دهقانان با اعتماد کامل تفهیم کرد که نهادهای ملی و محلی حاکم حجم عظیم سودها، درآمدها و اموال متنفزان بانکی، مالی، تجاری و صنعتی اقتصاد سرمایه داری را به مردم منتقل خواهند کرد. بدون این اقدام غیرممکن است که از کارگران و دهقانان خواست و یا انتظار داشت که اقدامی واقعاً انقلابی به عمل آورند و یا دست به کوششی واقعاً جدی بزنند.

۷- با توجه به اختلال کامل نظام پولی و مالی و عدم امکان بازگرداندن به وضع عادی تا زمانی که جنگ ادامه دارد، هدف تشکیلات دولتی در مقیاس وسیع ناحیه ای و نتیجتاً در مقیاس سراسر کشور، باید سازماندهی مبادله ابزار کشاورزی، لباس و چکمه و سایر کالاها با غلات و سایر محصولات کشاورزی باشد. تعاونی های شهر و روستا در این مبادله وسیعاً دخالت خواهند داشت.

۸- تنها هنگامی که این اقدامات به عمل آید طرح کار اجباری همگانی ممکن و لازم خواهد بود. این اقدام به نوبه خود مستلزم تأسیس میلیشیای کارگری است که در آن کارگران علاوه بر هشت ساعت کار روزانه خود به رایگان خدمت خواهند کرد، و متعاقباً تبدیل به میلیشیای مردمی خواهند شد که در آن حقوق کارگران و کارمندان را سرمایه دارن می پردازند. تنها چنین میلیشیای کارگری و میلیشیای مردمی که از آن برمی خیزد می تواند و می باید که کار اجباری همگانی را معمول دارد - و نه به شیوه ای بوروکراتیک و در خدمت منافع سرمایه داران، بلکه در جهت حفظ واقعی مردم از فاجعه ((اقتصادی)). تنها چنین میلیشیایی می تواند و می باید انضباطی واقعاً انقلابی برقرار کرده، حد اعلا کوشش مردم را برای جلوگیری از این فاجعه تأمین کند. و تنها کار اجباری همگانی قادر است حداکثر استفاده از نیروی کار کشور را میسر سازد.

۹- در میان اقداماتی که برای حفظ کشور از این فاجعه به عمل می آید، یکی از مهمترین وظایف انتقال وسیع کارگران به تولید ذغال سنگ و مواد خام و خدمات حمل و نقل باید باشد. به همین نسبت انتقال تدریجی کارگران از تولید محصولات نظامی به محصولات مورد نیاز برای ترمیم اقتصادی، نیز ضروری است.

۱۰- انجام منظم و موفق همه این اقدامات تنها هنگامی ممکن است که تمامی قدرت دولتی به پرولتاریا و نیمه پرولتاریا تفویض شود.

کنگره ششم حزب

۲۶ ژوئیه - ۳ اوت ۱۹۱۷

کنگره ششم حزب بلشویک از ۲۶ ژوئیه تا ۳ اوت ۱۹۱۷ در پتروگراد برگزار شد و ۱۵۷ نفر با حق رأی و ۱۱۰ نفر با نظر مشورتی به نمایندگی از ۲۴۰ هزار عضو حزب در آن حضور داشتند. لنین در کنگره حاضر نبود، ولی کار کنگره را از محل اختفای خود رهبری میکرد و تمامی قطعنامه های کنگره بر مبنای نظرات وی تنظیم شد.

کنگره در ابتدای کار خود علیه حضور لنین در دادگاه رأی داد (سند ۱۸۲). در قطعنامه دیگری، پیشرفت مسالمت آمیز انقلاب و انتقال آرام قدرت به شوراهای نفی شد و قیام مسلحانه در دستور کار قرار گرفت (سند ۱۷۶). در قطعنامه ﴿...﴾ در مورد روابط حزب با اتحادیه های کارگری نیز، نظریه منشویکی بیطرفی اتحادیه ها نفی شد و از اعضای حزب خواسته شد که در اتحادیه ها فراکسیون خود را تشکیل دهند (سند ۱۷۸).

کنگره همچنین ﴿...﴾

۱۷۴ - اساسنامه حزب

۲ اوت ۱۹۱۷

۱ - عضو حزب کسی است که برنامه آنرا پذیرفته متعلق به یکی از سازمانهای حزبی باشد، تسلیم تمامی تصمیمات حزب باشد، و حق عضویت بپردازد.
۲ - اعضای جدید به وسیله سازمانهای محلی حزب بر مبنای توصیه دو نفر از اعضا پذیرفته می شوند و در جلسه عمومی اعضای سازمان تأیید خواهند شد.
۳ - حق عضویت که نباید کمتر از یک درصد دستمزد باشد توسط سازمانهای محلی تعیین میشود.

اعضای جدید ورودیه ای به میزان ۵۰ کپک می پردازند.
تبصره - خودداری هر یک از اعضای حزب از پرداخت حق عضویت بدون دلیل موجه به مدت سه ماه به معنی ترک سازمان است و مطلب باید به اطلاع نشست عمومی برسد.
۴ - مساله اخراج اعضای حزب در جلسه عمومی سازمان محلی ای که او عضو آنست تصمیم گیری می شود. تصمیم نشست عمومی برای پژوهش به نهاد حزبی بالاتر، مثل کنفرانس رایون و یا کنفرانس ابلاست (و در پایتخت به کنفرانس شهر) می تواند ارجاع شود.
کنگره حزب بالاترین نهاد پژوهشی است.

تبصره - خبر اخراج اعضای حزب در ارگانهای حزبی چاپ خواهد شد.
۵ - کلیه سازمانهای حزبی طبق اصول سانترالیسم دموکراتیک بنا می شوند.

- ۶- کلیه سازمانها در مورد فعالیتهای داخلی، خودمختار هستند. هر سازمان حزبی حق دارد به نام خود نشریات حزبی انتشار دهد.
- ۷- سازمانهای حزبی در سطح رایون و ابلاست تشکیل می شود. کمیته های رایون و ابلاست در کنفرانسهای مربوطه انتخاب خواهد شد.
- محدوده رایون و ابلاست در کنفرانس رایون تعیین می شود. در صورت سؤ تفاهم بین محدوده ابلاست های مجاور مساله به کمیته مرکزی ارجاع خواهد شد.
- ۸- سازمانهای جدید حزبی توسط کمیته های ابلاست و در صورت غیاب آنها، توسط کمیته مرکزی تصویب می شود. کمیته مرکزی از حق نظارت بر هر یک از این مصوبات برخوردار است. تصویب هر یک از سازمانهای جدید به وسیله کمیته مرکزی در مطبوعات حزبی اعلام می شود.
- ۹- کلیه سازمانهای محلی باید که ده درصد از کلیه حق عضویت ها و درآمدهایی را که برای مقاصد خاصی نیست به کمیته مرکزی تخصیص دهند.
- تبصره - در مناطقی که سازمانها به رایون و یا سازمانهای فرعی رایون تفکیک می شوند کمیته های رایون و یا کمیته های فرعی رایون به عنوان سازمان محلی منظور خواهد شد.
- ۱۰- کنگره بالاترین ارگان حزبی است. کنگره های عادی سالانه تشکیل می شود. کنگره های فوق العاده به وسیله کمیته مرکزی و یا به درخواست حداقل یک سوم از اعضای حاضر در آخرین کنگره حزب فرا خوانده می شود. برگزاری و دستور جلسه کنگره حزب حداقل یک ماه و نیم پیش از کنگره اعلام می شود. کنگره های فوق العاده در طی دو ماه تشکیل می شود. کنگره در صورتی معتبر است که نمایندگان حداقل نیمی از کلیه اعضای حزب در آن حضور داشته باشند.
- ضوابط نمایندگی در کنگره حزب توسط کمیته مرکزی و با توافق کمیته های ابلاست و با در نظر گرفتن اصل نمایندگی نسبی معین می شود.
- ۱۱- اگر کمیته مرکزی در مدت مقرر در بند ۱۰ کنگره فوق العاده را فرا نخواند، سازمانهای خواستار آن از حق تشکیل کمیته تشکیلاتی که کلیه حقوق کمیته مرکزی را در مورد برگزاری کنگره داراست، برخوردار خواهند بود.
- ۱۲- کنگره دارای اختیارات زیر است: الف) دریافت و تصویب گزارشهای کمیته مرکزی، کمیسیون رسیدگی و سایر نهادهای مرکزی؛ ب) تجدید نظر و اصلاح برنامه حزب؛ ج) تعیین خط تاکتیکی حزب در مورد مسایل جاری؛ د) انتخاب کمیته مرکزی و کمیسیون رسیدگی.
- ۱۳- کمیته مرکزی سالانه در کنگره انتخاب می شود. برای پرداختن به امور جاری، کمیته مرکزی تعداد معینی از اعضای خود را به منظور شرکت در کمیته فرعی کمیته مرکزی منصوب می کند.
- نشستهای عمومی کمیته مرکزی حداقل هر دو ماه یکبار برگزار می شود. کمیته مرکزی نماینده حزب در روابطش با سایر احزاب و نهادها است، نهادهای مختلف حزبی را سازماندهی می کند و

فعالیت آنها را رهبری می کند، هیات تحریریه ارگان مرکزی را که تحت نظارتش عمل می کند بر میگزیند، وظایف مهم حزب را به طور کلی سازماندهی و هدایت می کند، مسئول خزانه داری حزب است و به انتصاب پرسنل و تخصیص وجوه می پردازد.

اعضایی که کمیته مرکزی را ترک می کنند توسط نامزدهای منتخب کنگره و با ترتیب مقرر توسط کنگره جایگزین می شوند.

۱۴- کمیسیون رسیدگی سالانه در کنگره حزبی انتخاب می شود. این کمیسیون امور خزانه داری و مسئولیت های کمیته مرکزی را رسیدگی کرده گزارش خود را به کنگره بعدی تقدیم می کند.

۱۷۷- درباره وضعیت اقتصادی

۳ اوت ۱۹۱۷

...

۵- تنها راه رهایی از این وضعیت بحرانی، اتمام جنگ و سازمان دادن تولید نه به خاطر جنگ، بلکه به منظور ترمیم هر آنچه که نابود شده است، و نه به نفع مشتی انحصارگر مالی بلکه در جهت منافع کارگران و فقیرترین دهقانان است.

تنظیم تولید در روسیه به این شیوه تنها به وسیله سازمانی میسر است که در دست پرولتاریا و نیمه پرولتاریا باشد، و نیز مستلزم تفویض قدرت دولتی به آنها است. در این مورد اجرای بعضی از اقدامات قاطع انقلابی ضروری است.

۶- تنظیم برنامه ریزی شده تولید و توزیع مستلزم دخالت در تولید است و نیز مستلزم ملی کردن و تمرکز نهادهای بانکی و ملی کردن بعضی از مؤسسه های بزرگ (مانند پالایشگاههای نفت، معادن ذغال سنگ، کارخانه های قند، کارخانه های ذوب فلز و ترابری).

۷- مبادله مناسب کالاها بین شهر و روستا باید بر مبنای تعاونی ها و کمیته های مواد غذایی به منظور عرضه محصولات ضروری کشاورزی به شهرها و عرضه محصولات صنعتی، وسایل و دستگاههای کشاورزی و غیره به روستاها باشد.

۸- کنترل کارگری واقعی باید برقرار شود و اکثریت اعضا در ارگانهای کنترل باید نمایندگان شوراهای نمایندگان کارگران، اتحادیه های کارگری و کمیته های کارخانه و کارگاه باشند. کارمندان فنی و علمی نیز باید در ارگانهای کنترل دخالت داشته باشند.

۹- کنترل کارگری باید تدریجاً از طریق اقدامات تکمیلی به تنظیم کامل تولید بیانجامد.

۱۰- اولین اقدامات کنترل کارگری ضرورتاً باید الغای اسرار بازرگانی را شامل شود - یعنی دفاتر تجار، صاحبان صنایع و بانکداران باید قابل بازرسی باشد. پنهان کردن اسناد باید بر اساس قوانین جزایی قابل مجازات اعلام شود. موجودی مؤسسه ها در فواصل معین صورت برداری شده، اطلاعات مربوط به میزان آن و مؤسسه هایی که آن را در اختیار دارند در اختیار عموم قرار

گیرد.

به خاطر مبارزه علیه تعطیل پنهان و آشکار کارخانه ها باید قانونی به منظور منع آن و نیز کاهش تولید بدون مجوز شوراهای نمایندگان کارگران، اتحادیه های کارگری، و ((شورای)) مرکزی کمیته های کارخانه و کارگاه، وضع شود.

۱۱- اقدامات زیر جهت مبارزه با ورشکستگی مالی ضروری است: توقف فوری چاپ اسکناس؛ امتناع از پرداخت قروض دولت چه داخلی و چه خارجی، با توجه به ملاحظات مقتضی به نفع بستانکاران خرده پا؛ تغییر کامل سیستم مالیاتی از طریق وضع مالیات بر اموال، مالیات بر افزوده اموال، مالیات غیر مستقیم سنگین بر کالاهای لوکس؛ اصلاح مالیات بر درآمد و ارزیابی درآمدهای اموال با نظارت مؤثر عمومی و محلی.

۱۲- بهره وری باید از طریق توزیع مناسب نیروی کار افزایش یابد: کارگران باید از مؤسسه ها و شاخه های صنایع تولیدی جنگی به مؤسسه ها و شاخه هایی که در جهت نیازهای کشور فعالیت می کنند، انتقال یابند.

۱۳- هنگامی که همه این شرایط واقع شود و قدرت دولتی به تصرف پرولتاریا و نیمه پرولتاریا در آید، وضع قانون کار اجباری همگانی به منظور تضمین توزیع صحیح کار و افزایش تولید، ضروری خواهد بود. و تنها در این شرایط قانون کار اجباری همگانی افزایش وسیع بهره وری را میسر خواهد کرد و تبدیل به تکنیک جدیدی برای انقیاد کارگران نخواهد شد.

۱۴- سازمانهای کارگران (اتحادیه های کارگری، کمیته های کارخانه و کارگاه، شورای نمایندگان کارگران) باید موظف باشند که اعمال چنین معیارهایی را در سطح محلی تشویق کنند، خود نیز در این جهت پیشگام شوند و اعمال کلی چنین اقداماتی را در مقیاس ملی تسریع بخشند.

۱۵- اجرا و تحقق همه این اقدامات تنها هنگامی ممکن است که کارگران با حمایت فقیرترین بخشهای دهقانی در جهت اعمال آن و برای مبارزه و دفع قطعی سیاستهای رژیم بورژوا امپریالیستی و مصایب ضد انقلابی آن، حتی الامکان تلاش کنند.

۱۷۸- درباره حزب و جنبش اتحادیه های کارگری

۱۳ اوت ۱۹۱۷

... جنبش کارگری سوسیالیستی بین المللی، برمبنای تجارب چندین ساله خود پیش از جنگ جهانی، به این نتیجه رسید که بی طرفی واقعی اتحادیه های کارگری در مبارزه های سیاسی در وهله اول غیر ممکن است، و در مرحله دوم، حتی اگر میسر باشد، برای آرمان سوسیالیسم شدیداً زیانبار است...

کنگره سراسری حزب کارگر سوسیال دموکرات روسیه از همه اعضای فعال خود در سازمانهای اتحادیه های کارگری خواستار اجرای مفاد زیر است:

- ۱- بسیج و اتحاد تمامی طبقه کارگر در اتحادیه های کارگری از هر طریق.
- ۲- حمایت از اصل نمایندگی دوجانبه در اتحادیه های کارگری و حزب؛ اجرای این اصل در اتحادیه هایی که هم اکنون نظرات انترناسیونالیستی انقلابی را پذیرفته اند و اعمال آن را در سایر اتحادیه ها از طریق فعالیت منظم جناحهایی از حزب که در تماس نزدیک با این سازمانها عمل می کنند، تدارک دیده اند.
- ۳- ترغیب اتحادیه ها به بازسازی تشکیلات بین المللی اتحادیه های کارگری که تنها شامل اتحادیه هایی خواهد بود که تا به حال از حمایت از این جنگ امپریالیستی خودداری کرده اند و از مبارزه طبقاتی دست نکشیده اند.
- ۴- کنگره مصرانه از کلیه اعضای حزب می خواهد که وارد اتحادیه های کارگری شوند، و در عین حال همه کارگران آگاه در جنبش اتحادیه های کارگری را به عضویت در حزب پرولتاریا و فعالیت در سازمانهای حزبی فرا می خواند.

۱۸۲- در باره خود داری رفیق لنین از حضور در دادگاه

۲۷ ژوئیه ۱۹۱۷

نظر به اینکه روشهای ایذایی پلیس و اوخرانا (Okhrana) اکنون در عمل و نیز در رفتار دفتر دادستانی یادآور سنت های رژیم شچگلویتف (Shcheglovitov) ((وزیر دادگستری ارتجاعی ۱۹۰۶ تا ۱۹۱۶)) است، همانگونه که کمیته اجرایی مرکزی شورای نمایندگان کارگران و سربازان پذیرفته است، و به علاوه، با اعتقاد بر اینکه در این شرایط مطلقاً هیچ تضمینی نه تنها برای بی طرفی محاکمات قضایی بلکه حتی برای امنیت اولیه اشخاصی که به دادگاه احضار می شوند، وجود ندارد؛ لذا به این وسیله کنگره حزب کارگر سوسیال دموکرات روسیه شدیداً علیه تعقیب موهن رهبران پرولتاریا توسط دادستانی و جاسوسان پلیس اعتراض می کند و با فرستادن دروهای گرم خود به رفقا لنین، زینوویف، تروتسکی و دیگران امیدوار است که بار دیگر آنان را در صفوف حزب پرولتاریای انقلابی باز یابد.

تدارک کمیته مرکزی برای انقلاب اکتبر

۳۱ اوت - ۲۴ اکتبر ۱۹۱۷

سندهای این بخش منتخبی از تصمیمات ۱۹ نشست کمیته مرکزی حزب بلشویک در فاصله ۳۱ اوت ۱۹۱۷ تا پیروزی انقلاب سوسیالیستی اکتبر است. رویدادهای این دوره کوتاه آنچنان پراهمیت و گوناگون می باشد که در این مختصر فرصت توضیح و تحلیل هیچیک از آنها نیست. از این رو ما به خوانندگان توصیه می کنیم که برای درک بهتر سندهای این بخش به آثار لنین در این دوره و کتب تاریخ انقلاب اکتبر رجوع کنند. ما در زیر تنها به بعضی از این سندها به طور گذرا

اشاراتی خواهیم کرد. ضمناً باید یادآوری کرد که لنین در این دوره حساس در اغلب موارد با مخالفت اکثریت اعضای کمیته مرکزی روبرو بود و می بایست پس از مبارزات شدید و حتی گاهی با تهدید به استعفا نظرات خود را پیش برد.

سند ۱۹۴ حکومت موقت را مسئول شورش کورنیلف دانسته و خواستار تشکیل حکومت انقلابی پرولتاریا و دهقانان می شود. این قطعنامه توسط شورای پتروگراد نیز مورد تأیید قرار می گیرد. این تغییر مهم در موضع گیری شوراها به سمت بلشویکها، باعث شد که لنین بار دیگر شعار «همه قدرت به شوراها» و تدارک قیام مسلحانه را مطرح کند.

در ۱۵ سپتامبر، ﴿...﴾

۱۹۴- درباره قدرت دولتی

۳۱ اوت ۱۹۱۷

در مقابله با شورش ضد انقلابی ژنرال کورنیلف که به وسیله احزاب و گروههایی که نمایندگانشان را می توان در حکومت موقت یافت (و در رأس همه حزب کادت) تدارک و حمایت شده بود، ((کمیته مرکزی)) خود را موظف می بیند تا اعلام دارد که از این به بعد هرگونه تردید از سازمان قدرت دولتی می باید به نحوی قاطع زدوده شود. نه تنها نمایندگان حزب کادت که آشکارا در شورش دخالت داشت و نمایندگان ثروتمندان بطور کل می باید از قدرت دولتی برکنار شوند، بلکه باید تغییراتی ریشه ای نیز در کل این مشی مسالمت آمیز غیر مسئولانه ای که باعث شد فرماندهی عالی و دستگاه قدرت دولتی مبدل به محل و ابزاری برای توطئه علیه انقلاب شود، صورت گیرد.

نه قدرت انحصاری دولت موقت و نه بی مسئولیتی آن بیش از این می تواند مورد اغماض قرار گیرد. تنها راه نجات نیز ایجاد رژیم است متشکل از نمایندگان پرولتاریای انقلابی و دهقانان که بر مبنای مواد زیر عمل خواهد کرد:

۱- اعلام جمهوری دموکراتیک.

۲- الغای فوری مالکیت زمینهای اشراف زمیندار بدون غرامت، و انتقال اداره این زمینها به کمیته های دهقانی تا هنگامیکه مجلس مؤسسان در این مورد تصمیم گیری کند، و اطمینان از اینکه سرمایه و ابزار در اختیار دهقانان فقیر قرار خواهد گرفت.

۳- برقراری کنترل کارگری در سطح کشور بر تولید و توزیع. ملی کردن مهمترین شاخه های صنعت از قبیل پالایشگاههای نفت، معادن زغال سنگ و کارخانه های ذوب فلز؛ وضع مالیات بر سرمایه های بزرگ و مایملک ارضی بدون هیچ گونه گذشت؛ و مصادره منافع ناشی از جنگ به منظور نجات کشور از سقوط اقتصادی.

۴- کان لم یکن اعلام کردن معاهده های مخفی و پیشنهاد فوری صلحی دموکراتیک و عمومی

به مردم کشورهای متخاصم.

مراتب زیر باید بعنوان اقدامات فوری اعلام شود:

- ۱- توقف تمامی سرکوب‌هایی که متوجه طبقه کارگر و سازمانهای آن است. الغای فوری مجازات مرگ در جبهه و اعاده همه سازمانهای دموکراتیک در ارتش و آزادی کامل تبلیغ در آنها. تصفیه کلیه فرماندهان ضد انقلابی در ارتش.
- ۲- انتخاب کمیسارها و مقام‌های دیگر توسط سازمانهای محلی.
- ۳- اعمال واقعی حق خلقهای روسیه در مورد تعیین سرنوشت، و در اولین وهله ارضای خواستههای فنلاند و اوکراین.
- ۴- انحلال شورای دولتی و دومای دولتی و تشکیل فوری مجلس مؤسسان.
- ۵- الغای تمامی امتیازهای طبقاتی (برای اشرافیت و غیره)، و تساوی کامل همه شهروندان.

۱۹۶- ((درباره هیات رئیسه جدید برای شورای

نمایندگان کارگران و سربازان))

۶ سپتامبر ۱۹۱۷

بنا بر تصمیم کمیته مرکزی، هیات رئیسه ((شورای پتروگراد که در آن زمان زیر نفوذ منشویکها و اس ارها قرار داشت)) باید به صورت ائتلافی و بر مبنای متناسب تعداد اعضا باشد، و از این جهت هیات رئیسه جدید شامل هفت تن از نمایندگان بلشویکها به علاوه هفت تن افراد پیشنهاد شده توسط منشویکها و اس ارها خواهد بود. ((در ۲۵ سپتامبر هیات رئیسه جدیدی شامل ۴ بلشویک، ۲ اس ار و ۱ منشویک ایجاد شد)).

۲۰۱- ((درباره پارلمان مقدماتی))

۲۳ سپتامبر ۱۹۱۷

پس از تبادل نظر کلی درباره کار پارلمان مقدماتی، تعدادی پیشنهاد مربوط به اولین جلسه آن تقدیم شد.

۱- اگر چخیدزه ((Chekheidze - یکی از رهبران منشویکها)) بعنوان رئیس انتخاب شود، لازم است که علیه او رأی داده شده و علت چنین رأیی نیز تشریح شود. برای نطق مربوطه نیز شائومیان (Shaumian) منصوب می شود. ((بعداً در واقع یک اس ار به عنوان رئیس انتخاب شد)).

۲- ورود به هیات رئیسه و درخواست برای نمایندگی نسبی مورد تصویب قرار گرفت: رایکوف، تروتسکی و کامنف برای هیات رئیسه معرفی شدند.

۳- در واکنش نسبت به گزارش کمیسیون منتخب کنفرانس دموکراتیک برای مذاکره باوزرا ((در

مورد تشکیل ائتلاف سوم)) اگر هم اکنون به توافق رسیده اند، باید مورد انتقاد قرار گرفته و اعلامیه خودمان ((مبنی بر حمله به هر نوع ائتلاف با بورژوازی ضد انقلابی و درخواست انتقال قدرت به یک حکومت مردمی مبتنی بر شوراها)) را عرضه کنیم. نطق مربوطه را تروتسکی ایراد خواهد کرد.

۴_ مقرر شد که به اس ارهای چپ توصیه شود تا پیشنهادی در باره مصونیت اعضای پارلمان مقدماتی ارائه کنند.

۵_ مقرر شد تا قطعنامه ای در باره پارلمان مقدماتی برای نشست حزب تهیه شود. سوکولنیکف، بابنف، رایکوف و تروتسکی مأمور انجام آنند.

۲۰۲_ ((درباره شورای نمایندگان کارگران و سربازان))

۲۴ سپتامبر ۱۹۱۷

مقرر شد که رایکوف برای فعالیت در شورا به پتروگراد منتقل شود. همچنین چندین رفیق دیگر نیز برای این فعالیت در نظر گرفته شده اند، از جمله ولودارسکی (Volodarsky). تروتسکی باید به ریاست شورا گمارده شود و رایکوف نیز به هیات رئیسه آورده شود.

... در مورد کنگره دوم شوراها ((که کمیته اجرایی مرکزی روز قبل اعلام کرده بود تا قبل از ۲۰ اکتبر جلسه نخواهد داشت))، مقرر شد که در همه جا در شوراها مبارزه وسیعی برای درخواست تشکیل فوری کنگره صورت گیرد. سوردلف به کمیسیون برپا کننده کنگره اعزام می شود و یورنیف (Yurenev) معاونش خواهد بود. فراخوان کنگره های منطقه و ابلاست مطلوب است.

۲۱۴_ ((درباره کمیته اجرایی شورای پتروگراد))

۲۱ اکتبر ۱۹۱۷

رفیق دزرژینسکی گزارشی داد درباره نابسامانی کلی در کمیته اجرایی ((شورای پتروگراد، که پس از ۲۵ سپتامبر شامل ۲۲ بلشویک، ۱۶ اس ار و ۶ منشویک بود))، و پیشنهاد می کند که همه اعضای بلشویک کمیته اجرایی ملزم به فعالیت بی وقفه در آن شوند و در غیر این صورت آنرا ترک کنند.

مقرر شد که افراد زیر در فعالیت کمیته اجرایی وارد شوند: رفقا ولودارسکی، یورنیف، میلیوتین، اسکالف (Skalof)، پاخامف (Pakhamov)، زورین، دزرژینسکی، استالین، یافه، لاشویچ (Lashevich).

۲۱ اکتبر ۱۹۱۷

رفیق سوکولنیکف پیشنهاد می کند که کنگره دوم ((که قرار بود در ۲۰ اکتبر تشکیل شود ولی در ۱۷ اکتبر به مدت ۵ روز به تعویق افتاد))، قطعاً در بیست و پنجم افتتاح شود.

رفیق تروتسکی دوباره در باره مساله هیات رئیسه اظهار می دارد که روش معمول در کنگره قبلی برای تعیین هیات رئیسه به زیان ما بوده است، و پیشنهاد می کند که هیات رئیسه بر مبنای یک عضو برای هر ۱۰۰ نماینده تعیین شود.

رفیق سوردلف عقیده دارد که تشکیل جلسه مقدماتی فراکسیون ((بلشویک)) ضرورت دارد و مستلزم عملکرد ویژه ای است. و برای این عملکرد سوردلف و میلیوتین را نامزد می کند. ایلچ ((لنین)) باید در تهیه تزه‌های گزارش‌های ((این جلسه)) دخالت داشته باشد.

رفیق استالین پیشنهاد می کند که یک رفیق به مسکو فرستاده شده و اعزام فوری نمایندگان مسکو درخواست شود. به علاوه او یک سلسله مسایل ضروری مربوط به تزه‌ها را مطرح می کند:

درباره زمین، جنگ، قدرت دولتی - به رفیق لنین محول شود؛

درباره کنترل کارگری ((در صنایع)) - به رفیق میلیوتین؛

در باره مساله ملیتها - به رفیق استالین؛

در باره وضعیت جاری - به رفیق تروتسکی؛

رفیق میلیوتین پیشنهاد می کند که گزارش دیگری در باره آیین نامه روند کنگره و تنظیم آن به رفیق سوردلف محول شود.

همه پیشنهاد‌های فوق تصویب می شود.

* یادداشت کمیته ترجمه

﴿۵﴾ اصطلاحات رایون (Raion)، اوبلاست (Oblast)، ولوست (Volost)، گوبرنیا (Gubernia) و یوزد (Uezd) مربوط به تقسیمات کشوری در روسیه قبل از انقلاب اکتبر است که پس از انقلاب ملغی شد. ﴿﴾

(۹) ر. ک. یادداشت شماره ۵.